

## درس نامه بخش اول گرامر معلوم و مجهول و زمان‌ها

مبحثی که در این بخش با آن آشنا می‌شویم مهم‌ترین مبحث گرامری کتاب زبان دوازدهم است، چون علاوه بر سؤالات مستقیم خود این مبحث، در سؤالات مباحث دیگر هم می‌توان از آن استفاده کرد. در واقع این مبحث پیش‌نیاز تمام مباحث گرامری کتاب زبان دوازدهم است. پس باید خوب و با دقت این درس را بخوانیم تا تسلط کامل روی آن داشته باشیم.

### تعریف معلوم و مجهول

این دو جمله را بخوانید و ببینید چه فرقی با هم دارند:

۱) مریم نامه‌ها را می‌نویسد.

۲) نامه‌ها نوشته می‌شوند.

در جمله اول، اسمی که در ابتدای جمله آمده انجام‌دهنده کار است (مریم انجام‌دهنده عمل نوشتن است). ولی در جمله دوم، اسمی که در ابتدای جمله آمده انجام‌دهنده کار نیست، بلکه کار روی آن انجام شده است (عمل نوشتن روی نامه‌ها انجام شده است). در جمله دوم، اسم «نامه‌ها» جای فاعل نشسته است، ولی در واقع فاعل اصلی از جمله حذف شده و مفعول جای فاعل آورده شده است. به جمله اول «جمله معلوم» و به جمله دوم «جمله مجهول» گفته می‌شود؛ یعنی:

**جمله معلوم:** جمله‌ای است که فاعل و انجام‌دهنده آن مشخص است و در ابتدای جمله آمده است.

**جمله مجهول:** جمله‌ای است که فاعل و انجام‌دهنده آن از جمله حذف شده و مفعول جای فاعل نشسته است.

### ساختن جمله مجهول

در زبان انگلیسی برای ساختن فعل مجهول از ساختار **be + p.p.** استفاده می‌کنیم. برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول باید مراحل را طی کنیم. مثالی را که در اول درس در مورد مریم و نامه‌ها گفتیم در نظر بگیرید. ترجمه انگلیسی جمله اول که به شکل معلوم آمده بود (مریم نامه‌ها را می‌نویسد) این جمله می‌شود:

Maryam writes the letters.

مفعول      فعل      فاعل

حالا ببینید این جمله را مرحله به مرحله با هم مجهول کنیم تا به جمله دوم (نامه‌ها نوشته می‌شوند) برسیم:

۱) فاعل جمله معلوم را حذف می‌کنیم و مفعول را جای آن می‌نشانیم: Maryam writes the letters. → The letters writes.

۲) فعل جمله را به شکل **be + p.p.** می‌نویسیم: The letters writes. → The letters are written.

فعل **be** با توجه به زمان و شخص جمله صرف می‌شود و به یکی از اشکال **am, is, are, was, were, be, being, been** آورده می‌شود. مثلاً زمان این جمله حال ساده است و قبل از **be** اسم جمع (the letters) داریم، پس **be** باید در این جمله به شکل **are** آورده شود. اسم مفعول (p.p.) در این فرمول ثابت است و تغییری نمی‌کند. اسم مفعول در مورد افعال باقاعده با اضافه کردن **ed** به انتهای فعل ساخته می‌شود و در مورد افعال بی‌قاعده، همان شکل سوم فعل است که لیست آن همراه با معنی در انتهای کتابچه واژگان آورده شده است. فعل **write** که در این جمله آمده بی‌قاعده است و اسم مفعول آن **written** می‌شود.

۳) اختیاری: اگر بخواهیم می‌توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با **by** بعد از فعل مجهول بنویسیم. حواسمان باشد که در این حالت همچنان جمله مجهول است، چون فاعل سر جای خودش نیامده و مفعول جای فاعل نشسته است:

The letters are written (by Maryam).

● در مرحله اول تبدیل جمله معلوم به مجهول گفتیم که مفعول را جای فاعل می‌نشانیم. در این مرحله اگر مفعول اسم باشد که تغییری نمی‌کند، ولی اگر مفعول به شکل «ضمیر مفعولی» باشد، باید آن را به «ضمیر فاعلی» تبدیل کنیم، چون جای فاعل نشسته است:

She writes them. → They are written.

ضمیر فاعلی      ضمیر مفعولی

● در مرحله سوم گفتیم که اگر بخواهیم می‌توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با **by** بعد از فعل مجهول بنویسیم. در این مرحله اگر فاعل اسم باشد که هیچ، ولی اگر فاعل به شکل «ضمیر فاعلی» باشد، باید آن را به «ضمیر مفعولی» تبدیل کنیم:

She writes them. → They are written by her.

ضمیر فاعلی

ضمیر مفعولی

## ترکیب با زمان‌ها

مبحث معلوم و مجهول همیشه با مبحث زمان‌ها ترکیب می‌شود. معمولاً بخش چالشی و پرخطای سؤال، مربوط به انتخاب زمان مناسب است. تمام زمان‌هایی که در کتاب‌های درسی مطرح شده‌اند، در جدول زیر آمده‌اند. باید این جدول را با دقت خیلی زیاد یاد بگیریم تا بتوانیم هر فعلی را به صورت معلوم و مجهول در هر زمانی که جمله به آن نیاز داشته باشد، بسازیم:

حال ساده		Simple Present	
معلوم	او کتاب را می‌نویسد.	شکل ساده فعل (سوم شخص مفرد با S)	He <u>writes</u> the book.
مجهول	کتاب نوشته می‌شود.	am/is/are + p.p.	The book <u>is written</u> .
گذشته ساده		Simple Past	
معلوم	او کتاب را نوشت.	شکل گذشته فعل (با ed یا بی‌قاعده)	He <u>wrote</u> the book.
مجهول	کتاب نوشته شد.	was/were + p.p.	The book <u>was written</u> .
حال استمراری		Present Continuous	
معلوم	او دارد کتاب را می‌نویسد.	am/is/are + ing	He <u>is writing</u> the book.
مجهول	کتاب دارد نوشته می‌شود.	am/is/are + being + p.p.	The book <u>is being written</u> .
گذشته استمراری		Past Continuous	
معلوم	او داشت کتاب را می‌نوشت.	was/were + ing	He <u>was writing</u> the book.
مجهول	کتاب داشت نوشته می‌شد.	was/were + being + p.p.	The book <u>was being written</u> .
حال کامل (معادل ماضی نقلی فارسی)		Present Perfect	
معلوم	او کتاب را نوشته است.	have/has + p.p.	He <u>has written</u> the book.
مجهول	کتاب نوشته شده است.	have/has + been + p.p.	The book <u>has been written</u> .
گذشته کامل (معادل ماضی بعید فارسی)		Past Perfect	
معلوم	او کتاب را نوشته بود.	had + p.p.	He <u>had written</u> the book.
مجهول	کتاب نوشته شده بود.	had + been + p.p.	The book <u>had been written</u> .
آینده ساده		Simple Future	
معلوم	او کتاب را خواهد نوشت.	فعل ساده + will	He <u>will write</u> the book.
مجهول	او کتاب را خواهد نوشت.	فعل ساده + be going to	He <u>is going to write</u> the book.
مجهول	کتاب نوشته خواهد شد.	will + be + p.p.	The book <u>will be written</u> .
مجهول	کتاب نوشته خواهد شد.	be going to + be + p.p.	The book <u>is going to be written</u> .

● فعلاً زمان گذشته کامل را نخوانده‌ایم و قرار است در درس سوم با آن شویم. ولی قبل از این‌که به درس سوم برسیم، در بعضی مباحث لازم است اشاره‌هایی به این زمان داشته باشیم. برای این‌که این جدول کامل باشد و در مباحث بعدی مشکلی نداشته باشیم، زمان گذشته کامل را هم در جدول آورده‌ایم. فعلاً ساختار این زمان را در کنار بقیه زمان‌ها یاد بگیریم. نکات مربوط به کاربرد این زمان مهم را در درس سوم بررسی می‌کنیم.

## زمان حال کامل

در درس ۲ یاد هم با زمان حال کامل آشنا شدیم. چون این زمان خیلی مهم و پرکاربرد است، باید جداگانه آن را بررسی کنیم. دو نکته مهم را در مورد این زمان باید همیشه در ذهن داشته باشیم:

● نکته اول این‌که باید اسم این زمان را درست بگوییم. معادل فارسی این زمان «ماضی نقلی» است، ولی در انگلیسی به این زمان Present Perfect یعنی «حال کامل» گفته می‌شود؛ یعنی در انگلیسی این زمان حال محسوب می‌شود، نه گذشته. اگر به این زمان بگوییم ماضی نقلی، ممکن است در بعضی سؤالات، زمان جمله را اشتباه انتخاب کنیم.

- نکته دومی که در مورد این زمان مهم است این است که انتخاب آن نباید صرفاً از روی ترجمه انجام شود. در کل، در مورد زمان‌های کامل (حال کامل و گذشته کامل) خیلی وقت‌ها ممکن است مجبور شویم از زمان‌های دیگری در ترجمه استفاده کنیم. پس باید به کاربرد آن‌ها توجه کنیم، نه صرفاً ترجمه فعل جمله. به مثال‌هایی که در ادامه می‌بینیم توجه کنید تا بهتر متوجه غیرترجمه‌ای بودن زمان حال کامل شوید.
- همان‌طور که گفتیم، باید به جای ترجمه، روی کاربرد زمان حال کامل تمرکز کنیم. این زمان دو کاربرد اصلی دارد. به دو مفهوم این جمله انگلیسی توجه کنید: I have studied English for ten years. من به مدت ده سال انگلیسی خوانده‌ام.

### ۱ کاربرد اول: اشاره به عملی که در گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد.

یعنی ده سال پیش شروع به خواندن انگلیسی کرده‌ام و هنوز هم می‌خوانم. در فارسی شاید بهتر باشد از زمان دیگری استفاده کنیم و بگوییم: ده سال است که دارم انگلیسی می‌خوانم. به خاطر همین است که می‌گوییم این زمان غیرترجمه‌ای است.

### ۲ کاربرد دوم: اشاره به عملی که در گذشته شروع و تمام شده، ولی آثار حال آن مد نظر است.

یعنی در گذشته ده سال انگلیسی خوانده‌ام و دیگر نمی‌خوانم، ولی انگلیسی بلدم. مثلاً این که کسی می‌گوید می‌توانی این جمله را برای من ترجمه کنی؟ من در جواب می‌گویم: بله، من ده سال انگلیسی خوانده‌ام. یعنی روی آثار حال عمل گذشته تأکید داریم که الان انگلیسی بلدم. پس به طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که تأکید هر دو کاربرد زمان حال کامل روی «حال» است؛ این که یک عمل گذشته، خود آن تا «حال» ادامه دارد یا آثار «حال» آن مد نظر است.

## «» قیدهای مجاز برای حال کامل «»

زمان حال کامل معمولاً با قیدهای خاصی همراه می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که این قیدها مخصوص حال کامل نیستند و نباید تا آن‌ها را دیدیم چشم‌پوشته سراغ زمان حال کامل برویم. حتی since که خیلی وقت‌ها با حال کامل می‌آید، می‌تواند با زمان گذشته کامل (درس ۳ دوازدهم) یا زمان‌های دیگری هم همراه شود. بنابراین ما همیشه باید به مفهوم جمله دقت داشته باشیم. مهم‌ترین قیدهایی که می‌توانند با زمان حال کامل به کار بروند در ادامه آورده شده‌اند. در این مثال‌ها به جای قید نسبت به فعل دقت کنید:

مثال	معنی	قید
من از وقتی که ده سالم بود در این جا زندگی کرده‌ام. <u>I have lived here since I was 10.</u>	از؛ از وقتی که	since
من به مدت بیست سال در این جا زندگی کرده‌ام. <u>I have lived here for 20 years.</u>	برای، به مدت	for
ما تا به حال او را ندیده‌ایم. <u>We haven't seen her so far.</u>	تا به حال، تاکنون	so far
من اخیراً سرم خیلی شلوغ بوده است. <u>I've been very busy lately.</u>	اخیراً، این اواخر	lately
من قبلاً این کتاب را خوانده‌ام. <u>I have read this book before.</u>	قبلاً	before
او هرگز به ایتالیا نرفته است. <u>He has never been to Italy.</u>	هرگز، هیچ وقت	never
او تا به حال به ایتالیا نرفته است. <u>He hasn't ever been to Italy.</u>	تا به حال، تاکنون	ever
من همیشه خواسته‌ام به ایتالیا بروم. <u>I have always wanted to go to Italy.</u>	همیشه	always
او تازه از ایتالیا برگشته است. <u>She has just come back from Italy.</u>	تازه، همین الان	just
آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند. <u>They haven't finished the job yet.</u> آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند. <u>They haven't yet finished the job.</u>	هنوز	yet
او اخیراً یک ماشین جدید خریده است. <u>He has bought a new car recently.</u> او اخیراً یک ماشین جدید خریده است. <u>He has recently bought a new car.</u>	اخیراً، این اواخر	recently
من قبلاً بلیط‌ها را رزرو کرده‌ام. <u>I have booked the tickets already.</u> من قبلاً بلیط‌ها را رزرو کرده‌ام. <u>I have already booked the tickets.</u>	قبلاً؛ همین حالا هم	already
(با فعل منفی) من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام. <u>I still haven't finished my homework.</u> (با فعل مثبت) من هنوز می‌توانم اسم آن‌ها را به یاد بیاورم. <u>I can still remember their names.</u>	هنوز	still

## قیدهای غیرمجاز برای حال کامل

مهم‌تر از قیدهایی که پیش از این توضیح دادیم و گفتیم که «می‌توانند» با حال کامل بیابند، قیدهایی هستند که «نمی‌توانند» با حال کامل آورده شوند. قیدهای زمانی مشابه مواردی که در زیر آورده شده‌اند و صرفاً به زمان به خصوصی در گذشته اشاره دارند، نباید با حال کامل همراه شوند:

yesterday	دیروز	two years ago	دو سال پیش
in 1987	در سال ۱۹۸۷	a long time ago	خیلی وقت پیش
last year	پارسال	the other day	چند روز پیش
last century	قرن پیش	when I was a child	وقتی که بچه بودم

نیامدن این قیدهای زمان با حال کامل یک «خط قرمز» است؛ یعنی حتی اگر مفهوم جمله برای حال کامل مناسب باشد، باز هم آمدن این قیدهای زمان باعث می‌شود که نتوانیم زمان حال کامل را به کار ببریم. مثال زیر را با دقت بخوانید و فعل داخل پرانتز را به شکل صحیح در جای خالی بنویسید:

- The house ..... in 1827, but it is still really strong. (build)

برای جواب دادن به این سؤال، هم باید معلوم یا مجهول بودن فعل داخل پرانتز را تشخیص بدهیم و هم باید زمان مناسب برای جمله را پیدا کنیم.

**تشخیص معلوم یا مجهول:** فعل build (ساختن) در این جمله باید به شکل مجهول آورده شود، چون اسمی که قبل از جای خالی آمده (house) مفعول عمل ساختن است، نه این‌که خانه خودش فاعل ساختن باشد و چیزی را ساخته باشد. پس جواب صحیح باید be + p.p. داشته باشد.

**تشخیص زمان:** برای انتخاب زمان، اگر بخواهیم صرفاً ترجمه‌ای عمل کنیم، زمان حال کامل برای این جمله کاملاً مناسب به نظر می‌رسد، چون در فارسی این جمله را به این شکل می‌گوییم: این خانه در سال ۱۸۲۷ «ساخته شده است»، ولی هنوز هم واقعاً محکم است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، برای انتخاب زمان حال کامل، نمی‌توانیم فقط به ترجمه اتکا کنیم. بیایید مفهوم حال کامل را چک کنیم. از نظر مفهومی هم زمان حال کامل برای تکمیل این جمله مناسب به نظر می‌رسد، چون این جمله به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام شده و آثار حال آن مد نظر است. خانه در گذشته ساخته شده و آثار حال آن این است که هنوز هم محکم است. ولی چیزی که همه‌ی این استدلال‌ها را باطل می‌کند این است که بعد از جای خالی، قید زمان گذشته in 1827 آمده است. همان‌طور که گفتیم، این قیدهای زمان «خط قرمز» هستند و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارند. با این توضیحات، تنها زمان مناسب برای تکمیل این جمله، زمان گذشته ساده است، آن هم به شکل مجهول. بنابراین جواب این سؤال was built است.

● تنها حالتی که می‌توانیم این قیدهای زمان را با حال کامل بیاوریم این است که آن‌ها را با since همراه کنیم. در این حالت مفهوم از گذشته تا به حال پیدا می‌کنند و کاربردشان با حال کامل ایرادی ندارد. به دو مثال زیر توجه کنید که اولی اشتباه و دومی درست است:

- ✗ I haven't seen him yesterday. من دیروز او را ندیده‌ام.
- ✓ I haven't seen him since yesterday. من از دیروز (تا حالا) او را ندیده‌ام.

## پایه گذشته

بعضی وقت‌ها در ابتدای جمله، چیزی شبیه به پایه آورده می‌شود که بقیه جمله روی آن استوار است؛ مثلاً در ابتدای جمله گفته می‌شود I think (فکر می‌کنم) یا I thought (فکر کردم). در این حالت، اگر پایه به شکل حال باشد (مثل I think)، هیچ تأثیری روی زمان ادامه جمله نمی‌گذارد و ادامه جمله ممکن است هر زمانی داشته باشد. ولی اگر این پایه به شکل گذشته باشد (مثل I thought)، در زبان انگلیسی ادامه همان جمله حتماً باید یک جور زمان گذشته داشته باشد. چیزی که خیلی وقت‌ها ما را به اشتباه می‌اندازد این است که این نکته در فارسی وجود ندارد و بنابراین، در این حالت معمولاً زمان جملات فارسی و انگلیسی با هم جور در نمی‌آید. مثلاً در جملات فارسی زیر، بخش اول جمله گذشته است، ولی بخش دوم زمان‌های مختلفی دارد که همه هم درست هستند:

✓ فکر کردم داری دنبالم می‌آیی. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

اگر بخواهیم این جملات فارسی را دقیقاً با همین زمان به انگلیسی ترجمه کنیم، این جملات اشتباه ساخته می‌شوند:

- ✗ I thought you are following me. ✓ فکر کردم داری دنبالم می‌آیی.
- ✗ He said he will come to the party. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد.
- ✗ I heard he has passed the exam. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

برای اصلاح این جملات انگلیسی، باید نکته «پایه گذشته» را رعایت کنیم و در ادامه این پایه، از افعال گذشته استفاده کنیم. بنابراین باید به جای are, will و has، شکل گذشته آن‌ها، یعنی were, would و had را بیاوریم:

- ✓ I thought you were following me. ✓ فکر کردم داری دنبالم می‌آیی.
- ✓ He said he would come to the party. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد.
- ✓ I heard he had passed the exam. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

- حواسمان باشد که زمان حال کامل هم حال است و نمی‌تواند بعد از پایه گذشته بیاید. اگر اسم این زمان را ماضی نقلی بگوییم، ممکن است به اشتباه آن را گذشته در نظر بگیریم و فکر کنیم که آمدن آن بعد از پایه گذشته مشکلی ایجاد نمی‌کند.
- شاید بعضی وقت‌ها در انگلیسی محاوره‌ای ببینیم که نکته «پایه گذشته» رعایت نشده است. رعایت نشدن این نکته جزء اشتباهات محاوره‌ای است که در هر زبانی وجود دارد. موقع جواب دادن به سؤالات گرامر یا نوشتن یک متن رسمی، حتماً باید نکات گرامری را رعایت کنیم.

## افعالی که مجهول نمی‌شوند

لازمه مجهول کردن جمله، متعدی بودن فعل و داشتن مفعول است. بنابراین فعلی که متعدی نباشد نمی‌تواند مجهول شود، چون مفعولی ندارد که جای فاعل بنشیند! بعضی از افعال می‌توانند هم متعدی و هم لازم باشند؛ مثل increase (افزایش دادن/ یافتن). این افعال می‌توانند در معنی متعدی خود مجهول شوند. ولی افعالی که فقط لازم هستند، هیچ‌وقت نمی‌توانند مجهول شوند. مهم‌ترین افعال مجهول نشدنی کتاب دوازدهم در زیر آورده شده‌اند:

arrive	رسیدن	last	دوام آوردن؛ طول کشیدن	seem	به نظر رسیدن
appear	ظاهر شدن؛ به نظر رسیدن	cost	هزینه داشتن	sound	به نظر رسیدن
disappear	ناپدید شدن	consist of	متشکل بودن از	succeed	موفق شدن
happen	اتفاق افتادن	grow up	بزرگ شدن	sleep	خوابیدن
exist	وجود داشتن	die	مردن	cooperate	همکاری کردن
belong	متعلق بودن	lie	دراز کشیدن؛ قرار داشتن	flock	جمع شدن، گرد آمدن

## افعالی که دو جور مجهول می‌شوند

بعضی از افعال در زبان انگلیسی دومفعولی هستند، که البته ما در فارسی معمولاً یکی از این دو را متمم در نظر می‌گیریم. افعال دومفعولی مفهوم «منتقل کردن چیزی به کسی» را دارند. در این حالت، هم آن «چیزی» که منتقل می‌شود و هم «گیرنده» مفعول محسوب می‌شوند. هر کدام از این مفعول‌ها می‌توانند جای فاعل بیابند و جمله را مجهول کنند. تفاوت خاصی بین این دو حالت مجهول وجود ندارد و در انگلیسی فقط کمی تفاوت تأکیدی دارند. به عنوان مثال، به کاربرد افعال دومفعولی give و tell در جملات زیر توجه کنید:

I gave Ali a book, or, I gave a book to Ali.	جمله معلوم: من یک کتاب به علی دادم.
Ali was given a book.	جمله مجهول اول: به علی یک کتاب داده شد.
A book was given to Ali.	جمله مجهول دوم: یک کتاب به علی داده شد.
I told her the news, or, I told the news to her.	جمله معلوم: من خبر را به او گفتم.
She was told the news.	جمله مجهول اول: به او آن خبر گفته شد.
The news was told to her.	جمله مجهول دوم: آن خبر به او گفته شد.

## with یا by

در اوایل درس در بخش «ساختن جمله مجهول» گفتیم که اگر بخواهیم می‌توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با by بعد از فعل مجهول بنویسیم. بعضی وقت‌ها به جای by از حرف اضافه with استفاده می‌شود که از نظر مفهومی تفاوت دارد. همراه با by، فاعل حذف شده، یعنی انجام‌دهنده کار را می‌آوریم، ولی همراه با with، وسیله انجام کار آورده می‌شود؛ یعنی وسیله‌ای که کسی با استفاده از آن، کار را انجام داده است. در فارسی ممکن است هر کدام از این دو حرف اضافه را «با، به وسیله، توسط» معنی کنیم. پس طبق معمول، به جای این‌که صرفاً به ترجمه اتکا کنیم، باید مفهوم جمله را در نظر بگیریم و ببینیم که به «انجام‌دهنده کار» اشاره شده یا به «وسیله انجام کار». به این مثال‌ها توجه کنید:

The window was broken <u>by</u> a boy.	پنجره توسط یک پسر شکسته شد. (پسر انجام‌دهنده کار است.)
The window was broken <u>with</u> a stone.	پنجره توسط یک سنگ شکسته شد. (سنگ وسیله انجام کار است.)

• نکته‌ای که مهم است این است که کاری با انسان یا غیرانسان بودن اسمی که بعد از by یا with می‌آید نداریم، چون خیلی وقت‌ها ممکن است انجام‌دهنده کار، غیرانسان باشد. تنها چیزی که مهم است این است که داریم به «انجام‌دهنده کار» اشاره می‌کنیم یا به «وسیله انجام کار». مثلاً در جمله زیر، زلزله انجام‌دهنده عمل ویران کردن است، نه این‌که کسی به وسیله زلزله خانه را ویران کرده باشد! بنابراین زلزله را با by می‌آوریم:

The house was destroyed <u>by</u> the earthquake.	خانه توسط زلزله ویران شد. (زلزله انجام‌دهنده کار است.)
---	--

## سوالات بخش اول گرامر

الف) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

241. We ..... to dinner last Monday night, and we had a good time.  
a) have invited                      b) were inviting                      c) were invited                      d) have been invited
242. A new hospital ..... near the airport next year.  
a) is going to build                      b) has been built                      c) is going to be built                      d) will build
243. This stone bridge ..... two times over the last three years.  
a) has repaired                      b) has been repaired                      c) is repaired                      d) is being repaired
244. A: "I'm going to call them and ask them to send me the new catalog."  
B: "You don't need to call them. I have the new catalog. It ..... last week."  
a) was arrived                      b) has arrived                      c) arrived                      d) has been arrived
245. I can't lend you my camera. It ..... this week.  
a) is being repaired                      b) is repairing                      c) will repair                      d) has repaired
246. Today there are more than 1000 languages. Some ..... by many millions of people, others by only a few thousand.  
a) are spoken                      b) be spoken                      c) were spoken                      d) spoken
247. There were some problems at first, but it seems that all of them .....  
a) have solved                      b) has been solved                      c) was solved                      d) have been solved
248. This college ..... in 1793 by some rich families who wanted to improve the quality of education in their hometown.  
a) was found                      b) was founded                      c) has been found                      d) has been founded
249. It ..... for a long time that there is no life on the Moon.  
a) has thought                      b) is thought                      c) has been thought                      d) thinks
250. The windows of the building ..... in a storm a few days ago.  
a) was broken                      b) broke                      c) have been broken                      d) were broken
251. We ..... someone else since you couldn't answer the question.  
a) asked                      b) have been asked                      c) have asked                      d) were asked
252. It's a big company. Five hundred people ..... there.  
a) are employed                      b) is employed                      c) employs                      d) being employed
253. I couldn't type the letter because the computer ..... just when I needed it.  
a) was using                      b) was used                      c) was being used                      d) has used
254. I didn't know that our conversation .....  
a) was recording                      b) is being recorded                      c) was being recorded                      d) will be recorded
255. Many types of cancer ..... by dietary factors.  
a) have been causing                      b) is caused                      c) are causing                      d) are caused



- 256. Do you know that Maria ..... as a computer programmer of the company?**  
 a) was inviting                      b) will be inviting                      c) has been invited                      d) is inviting
- 257. The word "stupid" was in my report, but it ..... to you.**  
 a) hasn't referred                      b) didn't refer                      c) isn't referred                      d) wasn't referred
- 258. Many apartments ..... for the poor employees during the last five years.**  
 a) are built                      b) were building                      c) have built                      d) have been built
- 259. The collection of stories written by that author ..... by a famous publication.**  
 a) will be published                      b) are going to be published  
 c) have been published                      d) are published
- 260. While you are inside the house, it ..... much different to any other large, old house.**  
 a) isn't felt                      b) hasn't felt                      c) hasn't been felt                      d) doesn't feel
- 261. Today, a large number of people ..... to take part in the Olympic Games.**  
 a) allow                      b) are allowed                      c) have allowed                      d) has been allowed
- 262. What I didn't like about the hotel was that it ..... when we stayed there.**  
 a) still was being painted                      b) was still being painted                      c) has still been painted                      d) still hasn't painted
- 263. A: "I think I ..... my pen when I was getting off the bus."  
 B: "Don't worry. You can buy a new one here."**  
 a) was lost                      b) lost                      c) was losing                      d) have lost
- 264. He said he ..... to sit silently while they were talking on the phone.**  
 a) asked                      b) was asked                      c) has been asked                      d) was asking
- 265. He will be surprised to hear that the house ..... just two years ago.**  
 a) was built                      b) built                      c) has built                      d) has been built
- 266. The teacher is angry because only one of the questions ..... correctly.**  
 a) has been answered                      b) are answered                      c) were answered                      d) has answered
- 267. I'm afraid I ..... the English homework. Would you give me some more time?**  
 a) haven't finished                      b) wasn't finishing                      c) haven't been finished                      d) wasn't finished
- 268. Over five thousand people ..... since the war began.**  
 a) were killing                      b) were being killed                      c) have killed                      d) have been killed
- 269. My father let me play with John because he ..... to be a very polite boy.**  
 a) has believed                      b) has been believed                      c) believed                      d) was believed
- 270. He says some employees ..... a lot of money for doing very little.**  
 a) are paying                      b) have paid                      c) are being paid                      d) pay
- 271. The man who lived next door ..... a knife.**  
 a) killed by                      b) killed with                      c) was killed by                      d) was killed with
- 272. The cake was taken upstairs and ..... by the children.**  
 a) eaten                      b) has eaten                      c) be eaten                      d) is eaten

- 273. In many countries, this ceremony ..... every four years.**  
 a) is held                      b) has held                      c) was being held                      d) holds
- 274. He ..... right by me without saying hello or even noticing I was there.**  
 a) was walked                      b) is walked                      c) walks                      d) walked
- 275. It was past midnight and no one was in the street. But as I was walking home, I felt I ..... in the dark.**  
 a) was following                      b) was being followed                      c) have been followed                      d) am being followed
- 276. The park ..... since last weekend because a film is being shot there.**  
 a) is closed                      b) has closed                      c) closed                      d) has been closed
- 277. A neighbor of mine ..... six months ago. He has not been seen since then.**  
 a) has disappeared                      b) has been disappeared                      c) disappeared                      d) was disappeared
- 278. These tennis courts ..... very often. Not many people want to play.**  
 a) haven't used                      b) didn't use                      c) wasn't used                      d) aren't used
- 279. I used to have a bicycle, but it ..... and now I have to take the bus every day.**  
 a) is stolen                      b) was stolen                      c) was stealing                      d) has stolen
- 280. The police ..... for a missing boy who is believed to be wearing a white sweater and blue jeans.**  
 a) are looking                      b) have been looked                      c) is looking                      d) has looked
- 281. It ..... that the building has been badly damaged by the fire.**  
 a) has reported                      b) was reporting                      c) is reporting                      d) is reported
- 282. If you aren't careful what you're doing with that hammer, someone ..... in a minute.**  
 a) will hurt                      b) will be hurt                      c) is hurt                      d) has been hurt
- 283. Before you buy the car, you should know when ..... .**  
 a) was it produced                      b) did it produce                      c) has it been produced                      d) it was produced
- 284. I hope he ..... to our cousins' house before I leave so I can hear some interesting stories.**  
 a) got                      b) will get                      c) is got                      d) will be got
- 285. Machines ..... to do many different difficult jobs nowadays.**  
 a) are used                      b) have used                      c) have been used                      d) used
- 286. A movie which is about the lives of two great scientists ..... in Hollywood right now.**  
 a) are making                      b) are being made                      c) is made                      d) is being made
- 287. The teacher said, "Some books ..... for the students who want to know more about this subject soon."**  
 a) provide                      b) would provide                      c) will be provided                      d) were provided
- 288. Adam ..... in the company for 30 years, and he doesn't like it when he is given orders by newcomers.**  
 a) has worked                      b) has been worked                      c) worked                      d) was worked
- 289. I didn't see the original document, but I ..... a copy.**  
 a) will show                      b) was shown                      c) have shown                      d) am shown
- 290. He ..... that they lived in a big city far from his small town.**  
 a) told                      b) was told                      c) has told                      d) tells



ب) شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

291. The company is quite old. It ..... in 1935. (to found)
292. About 300 new books ..... for the library since last year. (to buy)
293. He ..... abroad to work in a bank, but he hated it. (to send)
294. She phoned the police and ..... being attacked outside her home. (to report)
295. A few minutes after the accident, the injured man ..... by air ambulance to the nearest hospital. (to fly)
296. I never found the book I was looking for. I think it ..... when we moved to our new house. (to lose)
297. Is the novel ..... at the moment, or can I read it? (to read)
298. Nobody was hurt in the accident, so the ambulance ..... . (not to call)
299. Peter ..... to sing for many years. I think we can call him a professional singer now. (to teach)
300. The room looks different. .... something new ..... ? (to add)
301. No one knows the exact address, but he ..... to be somewhere in Russia. (to think)
302. You ..... the questions a few minutes before the next exam starts. (to give)
303. The Eiffel Tower ..... by the French engineer, Alexander-Gustave Eiffel. (to build)
304. You should go to the police station because the police ..... the man who stole your car. He is being questioned at the moment. (to catch)
305. Has the museum ..... by many students who are about my age? (to visit)
306. A photograph of me and my classmates ..... at the end of each course since we started university. (to take)
307. The farmers took the women to hospital when they ..... lost in the forest. (to find)
308. The children's rooms ..... right now as we speak. (to paint)
309. Baseball ..... all over the world these days. (not to play)
310. I don't know why we haven't received the package yet. It ..... over a week ago. (to post)
311. The first rugs ..... by hand, and the finest ones are still handmade. (to make)
312. We had to leave the house when one of the rooms ..... fire. (to catch)
313. All the cake ..... by the students, so the teacher didn't get any. (to eat)
314. Will the books ..... next year, or can I give them to my cousin? (to need)
315. Alex ..... as one of the most hard-working students in our school, and all of the teachers like her very much. (to regard)
316. Unfortunately, the missing climbers ..... yet. (to find)
317. When I left this city, the old cinema ..... . Have they finished it? (to repair)
318. Hamid is not very good at chess, so I think I ..... easily. (to win)
319. Heart attack ..... to be one of the results of eating fatty foods. (to believe)
320. I'm proud of my daughter because she ..... to play for the national team. (to choose)

پ) با هر گروه از کلمات به هم ریخته زیر، یک جمله مناسب بنویسید.

321. already / our / corrected / been / papers / have / . /  
 322. forgotten / name / be / his / never / will / . /  
 323. older people / by / the library / used / is / many / ? /  
 324. has / letter / before / typed / been / the / . /  
 325. on / the game / by / played / each team / is / six players / . /  
 326. music / this / I / always / kind of / liked / have / . /  
 327. is / by / the carpet / woven / girls / being / young / two / . /  
 328. just / to Shiraz / come back / has / from / a business trip / she / . /  
 329. he / to Persian / recently / a book / has / English / translated / from / . /  
 330. was / by / because / I / the police / was / too fast / stopped / driving / I / . /  
 331. students / year / next / will / number / the / increase / of / ? /  
 332. high school / I / since / played / have / I / started / Ping-Pong / . /  
 333. the classroom / class / for / arriving / cleaned / when / being / the students / was / started / . /  
 334. yet / had / movie / to watch / I / time / haven't / this / . /  
 335. ever / opinion / have / for / been / you / your / asked / ? /  
 336. his problem / hasn't / he / his doctor / about / talked to / still / . /

ت) با توجه به تصاویر سؤال داده شده، به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

337. What is done by the young boy every week?

His grandparents .....



to visit

338. What was done by the little boy yesterday?

The window .....



to break

339. What has been done by Sara for ten years?

English .....



to study

340. What hasn't been done by Maryam since last week?

The room .....



to clean

- 219 a: افراد در این شرکت اخلاق کاری قوی‌ای دارند. (عقاید پذیرفته شده‌ای که رفتار را کنترل می‌کنند) تعریفی که در C آمده (کارهای مختلفی که افراد در یک شرکت انجام می‌دهند) ارتباطی با کلمه ethic که در این سؤال مطرح است ندارد.
- 220 e: معلم از ما خواست که هر مورد از کاربرد این کلمه را یادداشت کنیم. (مثالی از یک نوع به خصوص عمل یا موقعیت)
- 221 d: او در یک خانه معمولی در یک شهر کوچک زندگی می‌کند. (رایج یا معمول، نه متفاوت یا خاص)
- 222 b: نقاشی‌های او از طبیعت الهام می‌گیرند. (کسی یا چیزی که به شما ایده‌های جدید برای انجام کاری می‌دهد)
- 223 religious: او شدیداً مذهبی است و دو بار در هفته به کلیسا می‌رود.
- 224 (light) bulb: ادیسون اولین لامپ را اختراع کرد.
- 225 woven: دخترعمویم این فرش زیبا را به تنهایی بافته است.
- کلمه weave یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب wove و woven می‌شود. با توجه به این‌که قبل از جای خالی has آمده، باید اسم مفعول این فعل را در جای خالی بیاوریم تا زمان حال کامل ساخته شود.
- 226 sometime: ما واقعاً باید یک زمانی به زودی با هم ملاقات کنیم تا در مورد جزئیات بحث کنیم.
- شاید احساس کنیم که کلمه quite هم برای تکمیل جای خالی این سؤال مناسب است، ولی اگر quite را در این سؤال بنویسیم، مجبور می‌شویم کلمه sometime را در سؤال آخر این بخش بیاوریم که درست نیست. حواسمان باشد که کلمه sometime (یک زمانی، یک موقعی) را با کلمه sometimes (گاهی اوقات، بعضی وقت‌ها) اشتباه نگیریم.
- 227 also: او به زیبایی آواز می‌خواند و همچنین پیانو می‌زند.
- 228 mostly: حدود پانزده نفر در اتاق بودند، عمدتاً خانم.
- 229 quite: من کاملاً خسته هستم، ولی می‌توانم کمی بیشتر راه بروم.
- 230 natural: کاملاً طبیعی است که شما باید نگران فرزندان‌تان باشید.
- 231 countless: دلایل بی‌شماری وجود دارد که چرا آن ایده، ایده خوبی نیست.
- 232 during: من در طول اقامتم در ژن، فقط یک بار او را دیدم.
- 233 including: شش نفر در آن تصادف جان باختند، از جمله یک افسر پلیس.
- 234 d: او از هیچ تلاشی برای درمان کردن کودکان بیمار دریغ نمی‌کرد. (انجام دادن تمام کارهای لازم برای خوب یا موفق کردن چیزی)
- 235 a: الکساندر گراهام بل در سال ۱۸۷۶ تلفن را اختراع کرد. (به وجود آوردن یا تولید کردن چیزی برای اولین بار)
- 236 e: کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ آمریکا را کشف کرد. (اولین کسی که چیزی را پیدا کرده، بودن)
- 237 c: باید کاشی‌ها را با دقت چک کنید قبل از این‌که آن‌ها را بخرید. (انجام دادن کاری برای پی بردن به این‌که آیا چیزی واقعاً درست است یا نه)
- تعریفی که در b آمده (اضافه کردن افراد یا اشیاء به هم برای پیدا کردن تعداد مجموع) تعریف فعل count (شمردن) است و ارتباطی با جمله این سؤال ندارد.
- 238 heart: سرطان و بیماری قلبی بزرگ‌ترین قاتلان بریتانیا هستند.
- 239 scientists: تیمی از دانشمندان از دانشگاه تهران دارند با هم کار می‌کنند تا آن مشکل را حل کنند.
- 240 hugged: وقتی که داشتند خداحافظی می‌کردند، همدیگر را در آغوش گرفتند و گریه کردند.
- 241 c: ما دوشنبه گذشته به شام دعوت شدیم و بهمان خوش گذشت.
- کلمه قبل از جای خالی (ما) مفعول جای خالی (دعوت کردن) است. اگر بخواهیم فعل معلوم «دعوت کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که ما فلان کس را به شام «دعوت کردیم». بنابراین این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. بین گزینه‌های c و d که be + p.p. دارند و مجهول هستند، گزینه c از نظر زمانی مناسب است، چون بعد از جای خالی قید زمان گذشته last Monday آمده و همان‌طور که در درس‌نامه گرامر خواندیم، زمان حال کامل نمی‌تواند با قید زمان گذشته همراه شود.
- 242 c: یک بیمارستان جدید در سال آینده در نزدیکی فرودگاه ساخته خواهد شد.
- کلمه قبل از جای خالی (بیمارستان) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). قید زمان آینده next year نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم.

243 b: این پل سنگی در طول سه سال گذشته دو بار تعمیر شده است.

کلمه قبل از جای خالی (پل) مفعولِ جای خالی (تعمیر کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b، c و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت over the last three years (در طول سه سال گذشته) برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده یا حال استمراری.

244 c: الف: «قصدم به آن‌ها زنگ بزنم و ازشان بخواهم که کاتالوگ جدید را برایم بفرستند.»

ب: «نیازی نیست به آن‌ها زنگ بزنی. من کاتالوگ جدید را دارم. هفته پیش رسید.»

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به کاتالوگ اشاره دارد) فاعلِ جای خالی (رسیدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های b و c). دقت داشته باشیم که arrive به معنی «رسیدن» است، نه «رساندن». این کلمه در واقع یک فعل لازم است که اصلاً نمی‌تواند مجهول شود. در درس نامه گرامر، در بخش افعالی که مجهول نمی‌شوند به این فعل اشاره کرده‌ایم. قید زمان گذشته last week نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

245 a: نمی‌توانم دوربینم را به تو قرض بدهم. این هفته در حال تعمیر شدن است.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به دوربین اشاره دارد) مفعولِ جای خالی (تعمیر کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه‌ای که be + p.p. دارد و مجهول است، گزینه a است.

246 a: امروزه بیش از هزار زبان وجود دارد. بعضی توسط میلیون‌ها نفر صحبت می‌شوند، بقیه توسط فقط چند هزار نفر.

کلمه قبل از جای خالی (بعضی، که به زبان‌ها اشاره دارد) مفعولِ جای خالی (صحبت کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). در گزینه b فعل be به شکل ساده باقی مانده و صرف نشده است. این اتفاق فقط زمانی می‌افتد که ساده مانند be موجه باشد؛ مثلاً این که بعد از will آمده باشد تا مجهول آینده بسازد. در غیر این صورت، فعل be باید طبق زمان و شخص جمله صرف شود. قید زمان today نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال ساده استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

247 d: تعدادی مشکل در ابتدا وجود داشت، ولی به نظر می‌رسد که همه آن‌ها حل شده‌اند.

عبارت قبل از جای خالی (همه آن‌ها، که به مشکلات اشاره دارد) مفعولِ جای خالی (حل کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b، c و d). بین این گزینه‌ها تفاوت «شخص» وجود دارد که خیلی مهم‌تر از تفاوت «زمان» است. وقتی می‌بینیم که گزینه‌ها از نظر مفرد و جمع بودن با هم فرق دارند، باید همین مورد را چک کنیم و دیگر نباید درگیر چک کردن زمان شویم. عبارت «همه آن‌ها» جمع است، پس نمی‌توانیم از افعال مفرد was و has در جای خالی استفاده کنیم.

248 b: این کالج در سال ۱۷۹۳ توسط تعدادی خانواده پولدار که می‌خواستند کیفیت آموزش را در زادگاهشان بهبود ببخشند، تأسیس شد.

همه گزینه‌های این سؤال be + p.p. دارند و مجهول هستند. نکته مهمی که باید در این سؤال به آن توجه داشته باشیم این است که فعل found دو معنی و کاربرد متفاوت دارد. در گزینه‌های a و c این فعل به عنوان اسم مفعول فعل find (پیدا کردن) استفاده شده که به معنی این جمله نمی‌خورد. ولی در گزینه‌های b و d این فعل ed گرفته و به عنوان اسم مفعول فعل found (تأسیس کردن) مورد استفاده قرار گرفته که از نظر معنایی برای این جمله مناسب است. قید زمان گذشته in 1793 نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

249 c: برای مدتی طولانی این طور فکر شده است که هیچ حیاتی روی ماه وجود ندارد.

کلمه قبل از جای خالی (it) نمی‌تواند فاعلِ جای خالی (فکر کردن) باشد. این جمله می‌خواهد بگوید که این طور «فکر می‌شود»، نه این که خود it فکری بکند! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

250 d: پنجره‌های ساختمان چند روز پیش در یک طوفان شکسته شدند.

عبارت قبل از جای خالی (پنجره‌های ساختمان) مفعولِ جای خالی (شکستن) است. در واقع پنجره‌ها توسط طوفان شکسته شده‌اند، نه این که خودشان شکسته باشند. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، c و d). در جای خالی باید از فعل جمع استفاده کنیم، چون «پنجره‌های ساختمان» شکسته شده‌اند، نه خود اسم مفرد «ساختمان». پس گزینه a که was دارد حذف می‌شود. قید زمان گذشته a few days ago نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

251 a: ما از کس دیگری پرسیدیم چون شما نتوانستید به آن سؤال جواب بدهید.

کلمه قبل از جای خالی (ما) فاعلِ جای خالی (پرسیدن) است. عبارت «کس دیگری» که بعد از جای خالی آمده باعث می‌شود که «پرسیدن» برای تکمیل جمله مناسب باشد، نه «پرسیده شدن». پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و c). نکته مهمی که در این سؤال به کار رفته این است که کلمه since در این جمله معنی «چون» دارد و معادل because است. نباید تا since را می‌بینیم چشم‌پسته سراغ زمان حال کامل برویم. کلمه «چون» می‌تواند با هر زمانی استفاده شود. بنابراین همیشه باید به معنی و مفهوم جمله توجه کنیم. گذشته بودن ادامه جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

252 a: آن شرکت، شرکت بزرگی است. پانصد نفر در آن جا استخدام هستند.

عبارت قبل از جای خالی (پانصد نفر) مفعولِ جای خالی (استخدام کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و d). در گزینه d، فعل be به درستی صرف نشده است. فقط در جاهای خاصی (مثلاً در استمراری مجهول) می‌توانیم be را به صورت being بیاوریم. بین دو گزینه باقی‌مانده، تفاوت شخص وجود دارد و چون قبل از جای خالی اسم جمع آمده، باید فعل جمع را انتخاب کنیم.

253 c: من نتوانستم نامه را تایپ کنم چون کامپیوتر درست وقتی که من به آن نیاز داشتم، داشت استفاده می‌شد.

کلمه قبل از جای خالی (کامپیوتر) مفعولِ جای خالی (استفاده کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). مفهومی که عبارت «درست وقتی که من به آن نیاز داشتم» به جمله می‌دهد، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته استمراری استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

254 c: من نمی‌دانستم که صحبت‌مان دارد ضبط می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (صحبت) مفعولِ جای خالی (ضبط کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). شاید از نظر معنی فارسی، گزینه‌های b و d هم درست به نظر بیایند، چون در معادل فارسی این جمله می‌توانیم از «دارد ضبط می‌شود» یا «ضبط خواهد شد» استفاده کنیم. ولی با توجه به نکته «پایه گذشته» که در درس نامه گرامر توضیح دادیم، بعد از پایه گذشته I didn't know حتماً باید یک فعل گذشته بیاوریم. پس در گزینه‌های b و d به جای will و is باید از was و would استفاده کنیم. چون این نکته «پایه گذشته» در فارسی وجود ندارد، زمان این جمله در فارسی با انگلیسی کمی تفاوت دارد. همان‌طور که می‌بینید در ترجمه این جمله از زمان حال استمراری (دارد ضبط می‌شود) استفاده کردیم، ولی در گرامر انگلیسی باید این جمله را با گذشته استمراری بیاوریم. حواسمان باشد که بعضی از چیزهایی که در محاوره می‌شنویم، ممکن است جزو اشتباهات رایج محاوره‌ای باشند و نباید آن‌ها را در پاسخ‌گویی به سؤالات گرامر لحاظ کنیم.

255 d: بسیاری از انواع سرطان توسط عوامل غذایی ایجاد می‌شوند.

عبارت قبل از جای خالی (بسیاری از انواع سرطان) مفعولِ جای خالی (ایجاد کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). حواسمان باشد که گزینه a مجهول نیست، چون در انتهای آن ing آمده، نه ed. تا یک فعل سه‌کلمه‌ای می‌بینیم، آن را مجهول در نظر نگیریم. باید فعل را دقیق بخوانیم و ببینیم که be + p.p. دارد یا نه. گزینه‌های b و d با هم تفاوت شخص دارند. کلمه‌ای که درست قبل از جای خالی آمده (cancer) مفرد است، ولی در این جا کل عبارت قبل از جای خالی (many types of cancer) ملاک است که جمع است.

256 c: می‌دانی که ماریا به عنوان برنامه‌نویس کامپیوتری شرکت دعوت شده است؟

کلمه قبل از جای خالی (ماریا) مفعولِ جای خالی (دعوت کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. اگر بخواهیم فعل معلوم «دعوت کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که ماریا فلان کس را به عنوان برنامه‌نویس کامپیوتری شرکت «دعوت کرده است». تنها گزینه‌ای که be + p.p. دارد و مجهول است، گزینه c است.

257 b: کلمه «احمق» در گزارش من بود، ولی به تو اشاره نمی‌کرد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به «کلمه احمق» برمی‌گردد (فاعلِ جای خالی (اشاره کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و b). مفهوم این جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از فعل معلوم در زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

258 d: آپارتمان‌های زیادی در طول پنج سال گذشته برای کارمندان فقیر ساخته شده‌اند.

کلمه قبل از جای خالی (آپارتمان‌ها) مفعولِ جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت during the last five years (در طول پنج سال گذشته) برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

259 a: مجموعه داستان‌های نوشته شده توسط آن نویسنده توسط یک انتشارات معروف منتشر خواهد شد.

همه گزینه‌های این سؤال be + p.p. دارند و مجهول هستند. اگر دقت کافی نداشته باشیم، احتمالاً درگیر چک کردن زمان گزینه‌ها می‌شویم، در حالی که نکته خیلی مهم‌تری در این سؤال مطرح است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، تفاوت شخص خیلی مهم‌تر از تفاوت زمان است. چیزی که قرار است منتشر شود «مجموعه داستان‌ها» است، نه «داستان‌ها». در واقع قرار است «یک» مجموعه داستان منتشر شود. پس فعلی که در جای خالی می‌آوریم باید با اسم مفرد collection تطابق داشته باشد، نه با اسم جمع stories. کلمات are و have که در گزینه‌های b، c و d آمده‌اند جمع هستند و نمی‌توانند جواب صحیح باشند، ولی will هم برای جمع به کار می‌رود و هم برای مفرد. بنابراین تنها گزینه‌ای که می‌تواند به عنوان یک فعل مفرد در جای خالی این سؤال بیاید گزینه a است.

260 d: وقتی که داخل آن خانه هستید، حس متفاوتی نسبت به هیچ خانه قدیمی بزرگ دیگری ندارد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به خانه اشاره دارد (فاعلِ جای خالی (حس خاصی داشتن) است. کلمه feel معمولاً معنی «احساس کردن» دارد، ولی در جملاتی مشابه جمله این سؤال، این کلمه کمی متفاوت معنی می‌شود. وقتی می‌گوییم sth feels different، معنی آن این است که «چیزی حس متفاوتی دارد» یا «چیزی متفاوت به نظر می‌رسد». پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های b و d). بخش اول جمله و مفهوم کلی صورت سؤال نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

261 b: امروزه تعداد زیادی از افراد اجازه دارند که در بازی‌های المپیک شرکت کنند.

عبارت قبل از جای خالی (تعداد زیادی از افراد) مفعولِ جای خالی (اجازه دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). با توجه به این که قبل از جای خالی یک عبارت جمع آمده، جواب این سؤال باید یک فعل جمع باشد، نه مفرد.

262 b: چیزی که من در مورد آن هتل دوست نداشتم این بود که وقتی که ما در آن جا اقامت داشتیم، هنوز داشت رنگ می‌شد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به هتل اشاره دارد) مفعولِ جای خالی (رنگ کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). در جدولی که در درس نامه گرامر، در بخش «قیدهای مجاز برای حال کامل» آورده شده، مثال‌هایی برای کاربرد Still دیدیم. توضیح دقیق‌تر آن این است که وقتی که Still با فعل منفی همراه می‌شود، باید قبل از کل فعل بیاید، ولی اگر این قید با فعل مثبت همراه شود، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی به کار برود. بنابراین بین گزینه‌های a و b که زمان مناسبی دارند، قید Still در گزینه b به درستی به کار رفته است. جای Still در گزینه‌های c و d هم درست است، ولی گزینه c از نظر زمانی و گزینه d از لحاظ معلوم و مجهولی مشکل دارد.

263 b: الف: «فکر کنم وقتی که داشتیم از اتوبوس پیاده می‌شدم، خودکارم را گم کردم.» ب: «نگران نباش. می‌توانی این جا یک خودکار جدید بخری.»

کلمه قبل از جای خالی (من) فاعلِ جای خالی (گم کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های b، c و d). گزینه c که زمان گذشته استمراری دارد (داشتم گم می‌کردم)، از نظر مفهومی برای این جمله مناسب نیست. شاید زمان حال کامل که در گزینه d آمده از نظر معنایی و کاربردی برای این جمله مناسب به نظر برسد، ولی عبارت when I was getting off the bus که بعد از جای خالی آمده، نمی‌تواند با زمان حال کامل همراه شود. به طور کلی، عبارت «جمله گذشته + when» همیشه یک قید زمان گذشته می‌سازد و طبق درس نامه گرامر، جزو قیدهای غیرمجاز برای حال کامل است.

264 b: او گفت که از او خواسته شد که وقتی که آن‌ها پای تلفن صحبت می‌کنند، ساکت بنشینند.

کلمه قبل از جای خالی (او) مفعولِ جای خالی (خواستن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). اگر بخواهیم فعل معلوم «خواستن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که او از فلان کس «خواست». بعد از he said که یک پایه گذشته است، حتماً باید یک فعل گذشته بیاوریم. پس باید در جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

265 a: او از شنیدن این که این خانه همین دو سال پیش ساخته شده است، متعجب خواهد شد.

کلمه قبل از جای خالی (خانه) مفعولِ جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و d). همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، درست نیست که صرفاً با اتکا به ترجمه فارسی، زمان فعل انگلیسی را انتخاب کنیم. مخصوصاً وقتی که زمان‌های کامل مطرح هستند، خیلی وقت‌ها زمان فعل فارسی و انگلیسی با هم فرق دارد. در ترجمه فارسی این جمله، بهتر است از «ساخته شده است» استفاده کنیم، نه «ساخته شد»، ولی این دلیل مناسبی برای انتخاب زمان حال کامل نیست. قید زمان گذشته two years ago نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

266 a: معلم عصبانی است چون فقط یکی از سؤالات درست جواب داده شده است.

عبارت قبل از جای خالی (یکی از سؤالات) مفعولِ جای خالی (جواب دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). فعلی که در جای خالی می‌آید باید از نظر شخص با «یکی از سؤالات» تطابق داشته باشد، نه فقط خود کلمه جمع «سؤالات» که به جای خالی چسبیده است. بنابراین جواب صحیح باید یک فعل مفرد باشد، نه جمع.

267 a: متأسفانه من تکلیف انگلیسی را تمام نکرده‌ام. می‌شود کمی زمان بیشتر به من بدهید؟

کلمه قبل از جای خالی (من) فاعلِ جای خالی (تمام کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و b). از نظر مفهومی، زمان حال کامل برای تکمیل این جمله مناسب است، نه گذشته استمراری (در حال تمام کردن نبودم). شاید کلمه afraid را بیشتر به معنی «ترسیده» دیده باشیم، ولی عبارت I'm afraid می‌تواند به معنی «متأسفانه، متأسفم» هم استفاده شود.

268 d: از وقتی که جنگ شروع شد، بیش از پنج هزار نفر کشته شده‌اند.

عبارت قبل از جای خالی (بیش از پنج هزار نفر) مفعولِ جای خالی (کشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since the war began برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه گذشته استمراری.

269 d: پدرم به من اجازه داد که با جان بازی کنم چون اعتقاد بر این است که او پسر خیلی مؤدبی است.

ضمیر he که قبل از جای خالی آمده، به جان اشاره دارد، نه به پدر. اگر قرار بود این ضمیر به پدر اشاره داشته باشد، باید یک ضمیر دیگر هم در ادامه جمله برای جان می‌آمد، چون مؤدب بودن در مورد جان مطرح شده است. در این جمله، جان مفعولِ اعتقاد داشتن است و در واقع اعتقادی در مورد او وجود دارد. این هم یک نوع جمله مجهول است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). نکته مهم دیگری که در این سؤال به کار رفته این است که برای انتخاب زمان جمله، باید تشخیص بدهیم که فعل let در این جا به عنوان یک فعل حال آمده یا گذشته. می‌دانیم که هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل let یکی است. با توجه به این که قبل از let فاعل سوم شخص مفرد آمده، اگر زمان این فعل حال بود، باید سوم شخص مفرد می‌گرفت و به شکل let's می‌آمد. بنابراین s نداشتن فعل let نشان می‌دهد که این فعل در این جمله به صورت گذشته استفاده شده است. گذشته بودن این جمله باعث می‌شود که از نظر مفهومی، زمان گذشته ساده برای تکمیل جای خالی مناسب باشد، نه حال کامل. این نکته که در مورد سوم شخص مفرد در این سؤال دیدیم، در سؤالات گرامری مباحث دیگری هم می‌تواند استفاده شود.

**270 c:** او می‌گوید که به بعضی از کارمندان، پول خیلی زیادی دارد پرداخت می‌شود برای انجام کار خیلی کمی.

کلمه قبل از جای خالی (کارمندان) مفعول جای خالی (پرداخت کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه‌های  $be + p.p$  دارد و مجهول است، گزینه C است. حواسمان باشد که عبارت He says که در ابتدای این جمله آمده، محدودیتی برای زمان این جمله ایجاد نمی‌کند، چون پایه گذشته نیست. همان طور که در درس نامه گرامر گفتیم، بعد از پایه گذشته، فعلی ادامه جمله حتماً باید به شکل گذشته بیاید، ولی پایه حال تأثیری روی زمان ادامه جمله نمی‌گذارد و هر زمانی که به مفهوم جمله بخورد می‌تواند استفاده شود.

**271 d:** مردی که در خانه بغلی زندگی می‌کرد با یک چاقو کشته شد.

کلمه قبل از جای خالی (مرد) مفعول جای خالی (کشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های C و d). همان طور که در درس نامه گرامر گفتیم، بعد از فعل مجهول، انجام‌دهنده کار را با  $by$  و وسیله انجام کار را با  $with$  می‌آوریم. چاقو وسیله انجام کار است، نه انجام‌دهنده کار، پس باید با  $with$  همراه شود.

**272 a:** کیک به طبقه بالا برده شد و توسط بچه‌ها خورده شد.

کلمه قبل از جای خالی (کیک) مفعول جای خالی (خوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. اتفاق خاصی که در این جمله افتاده این است که از  $the cake was$  فاکتور گرفته شده و این عبارت به قرینه حذف شده است. اگر بخواهیم این جمله را کامل بنویسیم، باید این عبارت را سر جای خالی تکرار کنیم. پس اگر چند فعل مجهول با زمان‌های یکسان پشت سر هم آمده باشند، می‌توانیم  $be$  را فقط در فعل اول بیاوریم و برای فعل‌های بعدی فقط از اسم مفعول استفاده کنیم. البته حذف  $be$  اجباری نیست و خود  $was eaten$  هم می‌توانست جواب این سؤال باشد. گزینه‌های C و d هم مجهول هستند، ولی نمی‌توانند در جای خالی آورده شوند. در گزینه C فعل  $be$  صرف نشده و گزینه d هم زمان حال ساده دارد که برای این جمله مناسب نیست.

**273 a:** در بسیاری از کشورها، این مراسم هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (مراسم) مفعول جای خالی (برگزار کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و C). کلمه  $hold$  علاوه بر معنی «نگه داشتن»، معنی «برگزار کردن» هم دارد که در سال‌های قبل با این معنی آن هم آشنا شده‌ایم. از نظر مفهومی، زمان حال ساده برای تکمیل این جمله مناسب است، نه گذشته استمراری (داشت برگزار می‌شد).

**274 d:** او درست از کنار من قدم زد (رد شد) بدون سلام دادن یا حتی متوجه شدن این که من آن جا بودم.

کلمه قبل از جای خالی (او) فاعل جای خالی (قدم زدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های C و d). نکته‌ای که در این سؤال ساده می‌خواهیم یاد بگیریم این است که نباید بدون خواندن دقیق جمله، صرفاً با دیدن  $by$  بعد از جای خالی، سراغ فعل مجهول برویم. حرف اضافه  $by$  در این جمله به معنی «کنار» به کار رفته است. به طور کلی، جمله می‌تواند حالت‌های مختلفی داشته باشد و مطمئن‌ترین راه، چک کردن مفهوم جمله برای تشخیص معلوم یا مجهول بودن آن است. فعل گذشته  $was$  که در اواخر این جمله آمده نشان می‌دهد که مفهوم ابتدای این جمله هم به فعل گذشته نیاز دارد، نه حال.

**275 b:** از نیمه شب گذشته بود و هیچ‌کس در خیابان نبود. ولی وقتی که داشتم به سمت خانه قدم می‌زدم، احساس کردم که در تاریکی دارم تعقیب می‌شوم.

کلمه قبل از جای خالی (من) مفعول جای خالی (تعقیب کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b، C و d). تنها چیزی که برای تشخیص زمان این جمله باید به آن توجه کنیم، پایه گذشته است. با این که ترجمه فارسی این جمله بیشتر زمان حال استمراری را نشان می‌دهد، عبارت  $felt$  که قبل از جای خالی آمده باعث می‌شود که در جای خالی از یک فعل گذشته استفاده کنیم.

**276 d:** آن پارک از آخر هفته پیش بسته شده است چون یک فیلم دارد در آن جا فیلم برداری می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (پارک) مفعول جای خالی (بستن) است. در واقع پارک توسط افرادی بسته شده است، نه این که خودش بسته شده باشد. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت  $since last week$  برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

**277 c:** یکی از همسایه‌های من شش ماه پیش ناپدید شد. او از آن موقع به بعد دیده نشده است.

عبارت قبل از جای خالی (یکی از همسایه‌های من) فاعل جای خالی (ناپدید شدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و C). آمدن کلمه «شدن» در ترجمه فارسی فعل  $disappear$  باعث می‌شود به اشتباه فکر کنیم که باید آن را مجهول کنیم. ولی باید حواسمان باشد که خود این فعل به معنی «ناپدید شدن» است؛ یعنی این فعل خودش در حالت معلوم، «شدن» را در معنی‌اش دارد. کلمه  $disappear$  در واقع یک فعل لازم است که اصلاً نمی‌تواند مجهول شود. در بین افعالی که در درس نامه گرامر، در بخش افعالی که مجهول نمی‌شوند آورده‌ایم، دو فعل  $disappear$  و  $appear$  شاید پرخاطرترین افعال باشند. قید زمان گذشته  $six months ago$  نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

**278 d:** این زمین‌های تنیس خیلی زیاد استفاده نمی‌شوند. افراد زیادی نمی‌خواهند بازی کنند.

عبارت قبل از جای خالی (زمین‌های تنیس) مفعول جای خالی (استفاده کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های C و d). حتی اگر معنی کلمه  $court$  (زمین بازی) را ندانیم، باز هم می‌توانیم مجهول بودن این جمله را تشخیص بدهیم، چون اگر بخواهیم فعل معلوم «استفاده کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که چیزی از چیزی «استفاده می‌کند». بین گزینه‌های C و d تفاوت شخص وجود دارد، پس با تفاوت زمان این دو گزینه کاری نداریم. جمع بودن عبارت قبل از جای خالی نشان می‌دهد که باید در جای خالی از یک فعل جمع استفاده کنیم، نه مفرد.

279 b: من قبلاً یک دوچرخه داشتم، ولی دزدیده شد و الان مجبورم هر روز سوار اتوبوس شوم.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به دوچرخه اشاره دارد) مفعول جای خالی (دزدیدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و b). مشخص است که عمل دزدیده شدن در گذشته انجام شده و بنابراین، زمان گذشته ساده برای این جمله مناسب است، نه حال ساده. قیدهای زمان now و every day که در جمله بعد از جای خالی آمده‌اند، مربوط به سوار اتوبوس شدن هستند و ارتباطی با جای خالی ندارند. عبارت used to (قبلاً) که در اوایل جمله آمده، به عمل یا حالتی اشاره دارد که در گذشته بوده، ولی دیگر وجود ندارد.

280 a: پلیس دارد دنبال یک پسر گم شده می‌گردد که اعتقاد بر این است که یک ژاکت سفید و شلوار جین آبی به تن دارد.

کلمه قبل از جای خالی (پلیس) فاعل جای خالی (دنبال چیزی گشتن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a، c و d). نکته مهمی که در این سؤال می‌خواهیم یاد بگیریم این است که کلمه police در انگلیسی همیشه «جمع» محسوب می‌شود و بعد از آن باید فعل جمع بیاوریم. اگر بخواهیم به یک فرد پلیس اشاره کنیم، باید از کلمات دیگری مثل policeman یا police officer استفاده کنیم. گزینه‌های c و d مفرد هستند و نمی‌توانند جواب این سؤال باشند.

281 d: گزارش شده که آن ساختمان به طور بدی توسط آتش صدمه دیده است.

کلمه قبل از جای خالی (it) نمی‌تواند فاعل جای خالی (گزارش کردن) باشد. این جمله می‌خواهد بگوید که این‌طور «گزارش شده»، نه این‌که خود it گزارشی کرده باشد! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه‌ای که be + p.p دارد و مجهول است، گزینه d است.

282 b: اگر مراقب نباشی که با آن چکش چه کار می‌کنی، یک نفر در عرض یک دقیقه (به زودی) آسیب خواهد دید.

کلمه قبل از جای خالی (یک نفر) مفعول جای خالی (آسیب زدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b، c و d). اگر بخواهیم این سؤال را یک سؤال ترکیبی و جامع ببینیم، می‌توانیم بگوییم که این جمله، شرطی نوع اول (درس ۳ یازدهم) است و ساختار شرطی نوع اول در گزینه b رعایت شده است. ولی به عنوان یک سؤال مستقل این درس هم می‌توان به جواب این سؤال رسید. مفهوم جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل hurt یکی است و این فعل هیچ وقت ed نمی‌گیرد.

283 d: قبل از این‌که آن ماشین را بخری، باید بدانی که کی تولید شده است.

کلمه it که در گزینه‌ها آمده و به ماشین اشاره دارد، مفعول فعل داخل جای خالی (تولید کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، c و d). نکته مهمی که در این سؤال مطرح شده و در جملات کتاب‌های درسی هم چندین بار به کار رفته، این است که با وجود این‌که کلمه پرسشی when قبل از جای خالی آمده، بعد از این کلمه پرسشی نیازی به ساختار سؤالی نداریم و باید از ساختار خبری استفاده کنیم. اگر به این جمله دقت کنیم، متوجه می‌شویم که اصلاً این جمله سؤالی نیست. بنابراین بودن کلمه پرسشی در جمله، همیشه باعث نمی‌شود که جمله را سؤالی کنیم. مفهوم جمله نشان می‌دهد که کلمه پرسشی دارد سؤال می‌پرسد یا نه. غیر از گزینه d، بقیه گزینه‌ها ساختار سؤالی دارند و نمی‌توانند جواب صحیح باشند.

284 b: امیدوارم که او قبل از این‌که من بروم، به خانۀ پسرعموهایمان برسد تا این‌که من بتوانم چند داستان جالب بشنوم.

کلمه قبل از جای خالی (او) فاعل جای خالی (رسیدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و b). فعل get معانی زیادی دارد که در بعضی از این معانی می‌تواند مجهول شود. این فعل در این جمله به معنی «رسیدن» و مشابه arrive به کار رفته است. در این معنی، مثل خود arrive، یک فعل لازم است و اصلاً نمی‌تواند مجهول شود. مفهوم ادامه جمله نشان می‌دهد که گوینده منتظر رسیدن این فرد است و نمی‌توانیم جای خالی را با زمان گذشته تکمیل کنیم. کلمه SO به عنوان حرف ربط، می‌تواند حرف ربط نتیجه به معنی «بنابراین» یا حرف ربط هدف به معنی «تا، تا این‌که» باشد.

285 a: امروزه دستگاه‌ها برای انجام دادن کارهای دشوار مختلف زیادی استفاده می‌شوند.

کلمه قبل از جای خالی (دستگاه‌ها) مفعول جای خالی (استفاده کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و c). مفهومی که قید زمان حال nowadays به جمله می‌دهد باعث می‌شود که زمان مناسب برای این جمله حال ساده باشد، نه حال کامل.

286 d: یک فیلم که در مورد زندگی دو دانشمند بزرگ است همین حالا در هالیوود دارد ساخته می‌شود.

مفهوم جمله به وضوح نشان می‌دهد که فعلی که در جای خالی می‌آید، مربوط به کلمه «فیلم» است، نه کلمه «دانشمندان» که به جای خالی چسبیده است. کلمه «فیلم» مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). با توجه به مفرد بودن کلمه «فیلم»، باید یکی از گزینه‌های c و d جواب صحیح باشد. قید زمان right now نشان می‌دهد که این فیلم همین حالا «دارد ساخته می‌شود»، پس باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم، نه حال ساده.

287 c: معلم گفت: «به زودی چند کتاب برای دانش‌آموزانی که می‌خواهند در مورد این موضوع بیشتر بدانند فراهم خواهد شد.»

عبارت قبل از جای خالی (چند کتاب) مفعول جای خالی (فراهم کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و c). مفهوم جمله و آمدن قید زمان soon (به زودی) در انتهای جمله، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم، نه گذشته. دقت داشته باشیم که آمدن will در این جمله اشتباه نیست، چون این جمله پایه گذشته ندارد. بعد از عبارت The teacher said علامت نقل قول (" ") آورده شده است. این یعنی جمله‌ای که داخل علامت نقل قول آمده، یک جمله مستقل است، نه ادامه پایه گذشته. پس در این حالت نباید پایه گذشته را در نظر بگیریم.



**288 a:** آدم به مدت سی سال در آن شرکت کار کرده است و خوشش نمی‌آید وقتی که توسط تازه‌واردها به او دستور داده می‌شود. کلمه قبل از جای خالی (آدام) فاعلِ جای خالی (کار کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و c). این که در ادامه جمله با زمان حال گفته شده «خوشش نمی‌آید»، نشان می‌دهد که این فرد هنوز هم در آن شرکت کار می‌کند. بنابراین با توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، باید برای تکمیل جای خالی از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

**289 b:** من سند اصلی را ندیدم، ولی یک کپی به من نشان داده شد. کلمه قبل از جای خالی (من) مفعولِ جای خالی (نشان دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). مفهوم جمله و گذشته بودن جمله اول، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته استفاده کنیم، نه حال.

**290 b:** به او گفته شد که آن‌ها در یک شهر بزرگ خیلی دور از شهر کوچک او زندگی می‌کنند. فعل tell در این جمله باید مجهول باشد و تنها گزینه‌ای که be + p.p. دارد گزینه b است. نکته خیلی مهمی که در مورد کاربرد فعل tell وجود دارد این است که بعد از این فعل همیشه باید مفعول بیاید. نیامدن مفعول بعد از جای خالی نشان می‌دهد که این فعل در این جمله باید به شکل مجهول به کار برود. ولی فعل say این‌طور نیست و می‌تواند با مفعول یا بدون مفعول آورده شود. به چهار عبارت زیر توجه کنید که اولی اشتباه است و بقیه درست:

- He told that ... او گفت که ...
- He told me that ... او به من گفت که ...
- He said that ... او گفت که ...
- He said to me that ... او به من گفت که ...

**291 was founded:** آن شرکت کاملاً قدیمی است. در سال ۱۹۳۵ تأسیس شد. کلمه قبل از جای خالی (it)، که به شرکت اشاره دارد) مفعولِ جای خالی (تأسیس کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن قید زمان گذشته 1935 in در انتهای جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

**292 have been bought:** حدود ۳۰۰ کتاب جدید از پارسال (تا حالا) برای کتابخانه خریده شده است. کلمه قبل از جای خالی (کتاب‌ها) مفعولِ جای خالی (خریدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. با توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since last year برداشت می‌شود، باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

**293 was sent:** او به خارج از کشور فرستاده شد تا در یک بانک کار کند، ولی از آن متنفر بود. کلمه قبل از جای خالی (او) مفعولِ جای خالی (فرستادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن ادامه جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، ابتدای این جمله هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

**294 reported:** او به پلیس زنگ زد و حمله شدن به او در بیرون خانه‌اش را گزارش کرد. کلمه‌ای که باید ارتباط معلوم یا مجهولی آن با جای خالی را چک کنیم، ضمیر she است که در ابتدای جمله آمده و از سر جای خالی به قرینه حذف شده است. این کلمه فاعلِ جای خالی (گزارش کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. گذشته بودن فعل phoned نشان می‌دهد که ادامه جمله هم از نظر مفهومی به همین زمان گذشته ساده نیاز دارد.

**295 was flown:** چند دقیقه بعد از تصادف، آن مرد مجروح از طریق آمبولانس هوایی به نزدیک‌ترین بیمارستان برده شد (پرواز داده شد). کلمه fly می‌تواند به معنی «پرواز کردن» یا «به پرواز درآوردن» و یا در مورد یک شخص یا کالا به معنی «با هواپیما جابه‌جا کردن، از طریق هوایی بردن» باشد. کلمه قبل از جای خالی (مرد مجروح) در این جمله مفعولِ این فعل است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد تا بگوید که این فرد از طریق هوایی به بیمارستان «برده شده است». مفهومی که عبارت «چند دقیقه بعد از تصادف» به جمله می‌دهد، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم. اگر اسم مفعول fly را بلد نبودید، حتماً لیست افعال بی‌قاعده را در انتهای کتابچه واژگان بخوانید.

**296 was lost:** من هیچ وقت کتابی را که دنبالش می‌گشتم پیدا نکردم. فکر می‌کنم وقتی که به خانه جدیدمان اسباب‌کشی کردیم، آن کتاب گم شد. کلمه قبل از جای خالی (it)، که به کتاب اشاره دارد) مفعولِ جای خالی (گم کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. قید زمان گذشته که به صورت «جمله گذشته + when» آمده، نشان می‌دهد که باید در جای خالی از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

**297 being read:** آیا آن رمان در حال حاضر دارد خوانده می‌شود یا من می‌توانم آن را بخوانم؟ کلمه قبل از جای خالی (رمان) مفعولِ جای خالی (خواندن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارت at the moment (در حال حاضر) نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم. این فعل حال استمراری مجهول به شکل is being read ساخته می‌شود که is در صورت سؤال نوشته شده و چون جمله سؤالی است، جای آن با فاعل عوض شده است. گذشته و اسم مفعول فعل read خود همین کلمه، ولی با تلفظ متفاوت است. شکل گذشته و اسم مفعول این فعل به صورت red تلفظ می‌شود.

298 **wasn't called**: هیچ‌کس در آن تصادف آسیب ندید، بنابراین به آمبولانس زنگ زده نشد.

کلمه قبل از جای خالی (آمبولانس) مفعول جای خالی (زنگ زدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن بخش اول جمله نشان می‌دهد که بخش دوم جمله هم از نظر مفهومی به زمان گذشته ساده نیاز دارد. طبیعتاً آمدن NOT در پرانتز صورت سؤال به این معنی است که فعل این جمله باید به شکل منفی نوشته شود. در این نوع سؤالات تشریحی باید همیشه حواسمان به مفهوم جمله باشد، چون ممکن است جمله به فعل منفی نیاز داشته باشد ولی صورت سؤال با آوردن NOT ما را راهنمایی نکرده باشد.

299 **has been taught**: به مدت چندین سال به پیترو آواز خواندن یاد داده شده است. فکر می‌کنم که حالا می‌توانیم او را یک خواننده حرفه‌ای بنامیم.

کلمه قبل از جای خالی (پیترو) مفعول جای خالی (یاد دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم از گذشته تا حال و تأکیدی که بر آثار حال یاد دادن در این جمله وجود دارد، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

300 **Has - been added**: این اتاق متفاوت به نظر می‌رسد. چیز جدیدی اضافه شده است؟

بخش اصلی این فعل قرار است در جای خالی دوم بیاید. جای خالی اول به اولین فعل کمکی اختصاص دارد که به خاطر سؤالی شدن جمله، جای آن با فاعل عوض شده است. عبارت قبل از جای خالی دوم (چیز جدیدی) مفعول این جای خالی (اضافه کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. این جمله بر آثار حال یک عمل گذشته تأکید دارد، بنابراین باید از زمان حال کامل برای تکمیل جاهای خالی استفاده کنیم.

301 **is thought**: هیچ‌کس آدرس دقیق را نمی‌داند، ولی این‌طور فکر می‌شود که او جایی در روسیه است.

کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (فکر کردن) است. این جمله می‌خواهد بگوید که فکر و تصویری در مورد این فرد وجود دارد، نه این‌که خود این فرد فکری کند. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. حال بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان حال ساده نیاز دارد.

302 **will be given**: چند دقیقه قبل از این‌که امتحان بعدی شروع شود، سؤالات به شما داده خواهد شد.

کلمه قبل از جای خالی (شما) مفعول جای خالی (دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. با توجه به این‌که این صحبت در مورد امتحان «بعدی» است، مفهوم این جمله به زمان آینده نیاز دارد که می‌تواند با will یا be going to ساخته شود.

303 **was built**: برج ایفل توسط مهندس فرانسوی، الکساندر گوستاو ایفل، ساخته شد.

کلمه قبل از جای خالی (برج ایفل) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مشخص است که ساختن برج ایفل در گذشته انجام شده، بنابراین باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

304 **have caught**: تو باید به ایستگاه پلیس بروی چون پلیس مردی را که ماشینت را دزدید گرفته است. او در حال حاضر دارد بازجویی می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (پلیس) فاعل جای خالی (گرفتن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. شاید بتوانیم این جمله را با زمان گذشته ساده هم بنویسیم، ولی با توجه به تأکیدی که بر آثار حال این عمل گذشته وجود دارد، مناسب‌ترین زمان برای این جمله زمان حال کامل است. همان‌طور که در بخش تست‌های گرامر این درس هم گفتیم، کلمه police در انگلیسی همیشه «جمع» محسوب می‌شود و بعد از آن باید فعل جمع بیاوریم.

305 **been visited**: آیا این موزه توسط دانش‌آموزان زیادی که حدوداً هم‌سن من هستند بازدید شده است؟

کلمه قبل از جای خالی (موزه) مفعول جای خالی (بازدید کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن فعل has در ابتدای جمله نشان می‌دهد که زمان این جمله، حال کامل است و به خاطر سؤالی بودن جمله، جای has با فاعل عوض شده است. بنابراین باید در جای خالی این سؤال، بقیه اجزای این فعل حال کامل مجهول را بنویسیم.

306 **has been taken**: از وقتی که دانشگاه را شروع کردیم، یک عکس از من و هم‌کلاسی‌هایم در انتهای هر دوره گرفته شده است.

کلمه قبل از جای خالی (عکس) مفعول جای خالی (گرفتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. با توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since we started university برداشت می‌شود، باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. فعلی که در جای خالی می‌آید باید از نظر شخص با اسم مفرد photograph تطابق داشته باشد، نه اسم جمع classmates که به جای خالی چسبیده است. بنابراین فعل حال کامل مجهول باید به صورت مفرد در جای خالی نوشته شود.

307 **were found**: کشاورزان آن خانم‌ها را به بیمارستان بردند وقتی آن‌ها در حالی که در جنگل گم شده بودند، پیدا شدند.

ضمیر they که قبل از جای خالی آمده، به women (خانم‌ها) اشاره دارد. اگر قرار بود این ضمیر به کشاورزان اشاره داشته باشد، باید یک them برای اشاره به خانم‌ها بعد از جای خالی می‌آمد تا جمله به صورت when they found them نوشته شود. بنابراین در این جمله، باید فعل «پیدا کردن» را به صورت مجهول بیاوریم تا فعل «پیدا شدن» برای اشاره به خانم‌ها ساخته شود. گذشته بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

308 **are being painted**: همین حالا در حالی که ما داریم صحبت می‌کنیم، اتاق‌های بچه‌ها دارند رنگ می‌شوند.

کلمه قبل از جای خالی (اتاق‌ها) مفعول جای خالی (رنگ کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارتی که بعد از جای خالی آمده نشان می‌دهد که این عمل همین حالا در حال انجام شدن است. بنابراین باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم.

**309 is not played**: این روزها بیس بال در سراسر جهان بازی نمی‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (بیس بال) مفعولِ جای خالی (بازی کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارت *these days* و مفهوم کلی این جمله نشان می‌دهد که برای تکمیل جای خالی باید از زمان حال ساده استفاده کنیم، چون یک اشاره کلی به بازی شدن بیس بال دارد. با توجه به کلمه *not* که در پرانتز آمده، باید این فعل را به شکل منفی بنویسیم.

**310 was posted**: نمی‌دانم که چرا هنوز آن بسته را دریافت نکرده‌ایم. بیش از یک هفته پیش پُست شد.

کلمه قبل از جای خالی (*it*)، که به بسته اشاره دارد) مفعولِ جای خالی (پُست کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن قید زمان گذشته *over a week ago* در انتهای جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

**311 were made**: اولین قالیچه‌ها با دست ساخته می‌شدند و بهترین قالیچه‌ها هنوز هم دست‌ساز هستند.

کلمه قبل از جای خالی (قالیچه‌ها) مفعولِ جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مشخص است که ساختن اولین قالیچه‌ها در گذشته انجام می‌شده، بنابراین باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

**312 caught**: ما مجبور شدیم که خانه را ترک کنیم وقتی که یکی از اتاق‌ها آتش گرفت.

عبارت *catch fire* به معنی «آتش گرفتن» است. از معنی این عبارت مشخص است که فعل *catch* در این عبارت نمی‌تواند مجهول شود. گذشته بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

**313 was eaten**: تمام کیک توسط دانش‌آموزان خورده شد، بنابراین معلم هیچ کیکِ دریاقت نکرد (به معلم هیچی نرسید).

کلمه قبل از جای خالی (کیک) مفعولِ جای خالی (خوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن بخش دوم این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، بخش اول جمله هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد. کل کیک در این جمله به عنوان یک واحد در نظر گرفته می‌شود و به همین دلیل، خود این کلمه به صورت مفرد آمده و با فعل مفرد هم همراه می‌شود.

**314 be needed**: آیا این کتاب‌ها در سال آینده مورد نیاز خواهند بود یا می‌توانم آن‌ها را به پسرعمویم بدهم؟

کلمه قبل از جای خالی (کتاب‌ها) مفعولِ جای خالی (نیاز داشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن فعل *Will* در ابتدای جمله نشان می‌دهد که زمان این جمله، آینده است و به خاطر سؤالی بودن جمله، جای *Will* با فاعل عوض شده است. بنابراین باید در جای خالی این سؤال، بقیه اجزای این فعل آینده مجهول را بنویسیم.

**315 is regarded**: الکس به عنوان یکی از سخت‌کوش‌ترین دانش‌آموزان در مدرسه ما به شمار می‌رود و همه معلم‌ها او را خیلی دوست دارند.

کلمه قبل از جای خالی (الکس) مفعولِ جای خالی (به شمار آوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. حال بودن بخش دوم این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، بخش اول جمله هم به زمان حال ساده نیاز دارد.

**316 haven't been found**: متأسفانه، کوه‌نوردان گم شده هنوز پیدا نشده‌اند.

کلمه قبل از جای خالی (کوه‌نوردان) مفعولِ جای خالی (پیدا کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم از گذشته تا حال که از قید *yet* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. کاملاً مشخص است که این جمله به فعل منفی نیاز دارد، ولی در پرانتز صورت سؤال *not* آورده نشده و تشخیص منفی بودن جمله به خودمان واگذار شده است.

**317 was being repaired**: وقتی که من این شهر را ترک کردم، سینمای قدیمی داشت تعمیر می‌شد. آن را تمام کرده‌اند؟

کلمه قبل از جای خالی (سینما) مفعولِ جای خالی (تعمیر کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم این جمله نشان می‌دهد که سینما در حال تعمیر شدن بوده است، بنابراین برای تکمیل جای خالی باید از زمان گذشته استمراری استفاده کنیم.

**318 will win**: حمید در شطرنج خیلی ماهر نیست، بنابراین فکر می‌کنم که به راحتی برنده خواهد شد.

کلمه قبل از جای خالی (من) فاعلِ جای خالی (برنده شدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. کلمه «شدن» که در ترجمه فعل *win* می‌آید نباید ما را به اشتباه بیندازد. فعل *win* به معنی «برنده کردن» نیست که مجهول آن «برنده شدن» باشد! خود این فعل در حالت معلوم به معنی «برنده شدن» است. بنابراین باید به معنی فعل توجه کنیم و تا در معنی فارسی فعل، کلمه «شدن» را می‌بینیم، نباید چشم‌پسته سراغ فعل مجهول برویم. مفهوم این جمله نشان می‌دهد که این بازی در آینده انجام خواهد شد و باید جای خالی را با زمان آینده تکمیل کنیم.

**319 is believed**: اعتقاد بر این است که حمله قلبی یکی از نتایج خوردن غذاهای چرب است.

کلمه قبل از جای خالی (حمله قلبی) نمی‌تواند فاعلِ جای خالی (اعتقاد داشتن) باشد. این جمله می‌خواهد بگوید که این اعتقاد در مورد حمله قلبی وجود دارد، نه این‌که خود حمله قلبی اعتقادی داشته باشد! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم کلی این جمله نشان می‌دهد که برای تکمیل جای خالی باید از زمان حال ساده استفاده کنیم، چون یک اشاره کلی به اعتقادی در مورد حمله قلبی شده است.

320 **has been chosen**: من به دخترم افتخار می‌کنم چون او برای بازی کردن برای تیم ملی انتخاب شده است.

کلمه قبل از جای خالی (او) مفعولِ جای خالی (انتخاب کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. این جمله بر آثار حال یک عمل گذشته تأکید دارد. در گذشته دختر این فرد برای تیم ملی انتخاب شده و الان این فرد می‌گوید که به او افتخار می‌کند. بنابراین باید از زمان حال کامل برای تکمیل این جمله استفاده کنیم.

321 برگه‌های ما قبلاً تصحیح شده‌اند. Our papers have (already) been corrected (already).

در درس‌نامه گرامر، در بخش «قیدهای مجاز برای حال کامل» قیدهایی در جدول آورده شده‌اند که جای خاصی نسبت به فعل دارند. در بعضی از سؤالات این بخش، باید به جای این قیده‌ها دقت کنیم. قید already هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم قبل از فعل اصلی، یعنی در مورد حال کامل، بین have/has و اسم مفعول. هر دو حالت کاملاً درست هستند و به همین دلیل، جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید already می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پرانتز نوشته شده آورده شود.

322 اسم او هرگز فراموش نخواهد شد. His name will never be forgotten.

کلمه never یک قید تکرار است و در حالت عادی، باید قبل از فعل اصلی آورده شود. اگر چند فعل کمکی در جمله داشته باشیم، قید never باید بعد از اولین فعل کمکی بیاید.

323 آیا آن کتابخانه توسط افراد مسن زیادی استفاده می‌شود؟ Is the library used by many older people?

علامت سؤالی که در انتهای جمله آمده خیلی مهم است. این علامت سؤال باعث می‌شود که جای the library و is را با هم عوض کنیم تا جمله ساختار سؤالی داشته باشد.

324 آن نامه قبلاً تایپ شده است. The letter has been typed before.

325 آن بازی توسط شش بازیکن در هر تیم بازی می‌شود. The game is played by six players on each team.

326 من همیشه این نوع موسیقی را دوست داشته‌ام. I have always liked this kind of music.

کلمه always هم مثل never که قبل‌تر توضیح داده شد، یک قید تکرار است و رایج‌ترین جای آن در جمله، قبل از فعل اصلی است.

327 آن فرش دارد توسط دو دختر جوان بافته می‌شود. The carpet is being woven by two young girls.

328 او تازه از یک سفر کاری به شیراز برگشته است. She has just come back from a business trip to Shiraz.

قید just معنای مختلفی دارد و می‌تواند به معنی «فقط» یا «تازه، همین الان» یا «درست، دقیقاً» در جمله استفاده شود. همان‌طور که در درس‌نامه گرامر دیدیم، این قید به معنی «تازه، همین الان» خیلی وقت‌ها (ولی نه لزوماً) با حال کامل به کار می‌رود و در این حالت، باید قبل از فعل اصلی آورده شود، یعنی بین have/has و اسم مفعول.

329 او اخیراً کتابی را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است. He has (recently) translated a book from English to Persian (recently).

recently هم مثل قید already که در سؤالات قبل دیدیم، هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم قبل از فعل اصلی، یعنی در مورد حال کامل، بین have/has و اسم مفعول. هر دو حالت کاملاً درست هستند و به همین دلیل، جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید recently می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پرانتز نوشته شده آورده شود.

330 من توسط پلیس متوقف شدم چون داشتم بیش از حد تند رانندگی می‌کردم.

I was stopped by the police because I was driving too fast.

331 آیا سال آینده تعداد دانش‌آموزان افزایش خواهد یافت؟ Will the number of students increase next year?

با توجه به علامت سؤالی که در انتهای جمله آمده، این جمله باید ساختار سؤالی داشته باشد و بنابراین، جای the number of students و will با هم عوض شده است.

332 من از وقتی که دبیرستان را شروع کردم، پینگ‌پنگ بازی کرده‌ام. I have played Ping-Pong since I started high school.

333 کلاس داشت تمیز می‌شد وقتی که دانش‌آموزان شروع کردند به رسیدن برای کلاس.

The classroom was being cleaned when the students started arriving for class.

334 من هنوز وقت نداشته‌ام که این فیلم را تماشا کنم. I haven't (yet) had time to watch this movie (yet).

yet هم مثل قیده‌های already و recently که در سؤالات قبل دیدیم، هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم قبل از فعل اصلی، یعنی در مورد حال کامل، بین have/has و اسم مفعول. هر دو حالت کاملاً درست هستند و به همین دلیل، جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید yet می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پرانتز نوشته شده آورده شود.

**335** آیا تا به حال نظرت از تو پرسیده شده است؟  
 Have you ever been asked for your opinion?  
 قید ever معمولاً در جملات منفی یا سؤالی و به معنی «تا به حال، تاکنون» استفاده می‌شود. جای این قید در جمله، قبل از فعل اصلی است، ولی اگر چند فعل کمکی در جمله داشته باشیم، قید ever باید بعد از اولین فعل کمکی بیاید. علامت سؤالی که در انتهای جمله آمده نشان می‌دهد که این جمله باید ساختار سؤالی داشته باشد. به همین دلیل است که جای you و have با هم عوض شده است.

**336** او هنوز در مورد مشکلش با دکترش صحبت نکرده است.  
 He still hasn't talked to his doctor about his problem.  
 همان طور که در درس نامه گرامر دیدیم و در پاسخ تست‌های گرامر هم گفتیم، وقتی که still با فعل منفی همراه می‌شود، باید قبل از کل فعل بیاید، ولی اگر این قید با فعل مثبت همراه شود، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی به کار برود.

**337** چه کاری هر هفته توسط آن پسر جوان انجام می‌شود؟  
 His grandparents are visited by the young boy every week.  
 پدربزرگ و مادر بزرگش هر هفته توسط آن پسر جوان ملاقات می‌شوند.

**338** چه کاری دیروز توسط آن پسریچه شکسته شد؟  
 The window was broken by the little boy yesterday.  
 پنجره دیروز توسط آن پسریچه شکسته شد.

**339** چه کاری به مدت ده سال توسط سارا انجام شده است؟  
 English has been studied by Sara for ten years.  
 انگلیسی به مدت ده سال توسط سارا خوانده شده است.

**340** چه کاری از هفته پیش توسط مریم انجام نشده است؟  
 The room hasn't been cleaned by Maryam since last week.  
 اتاق از هفته پیش توسط مریم تمیز نشده است.

**341** b: خواهرت فیلم را تماشا نکرد، نه؟  
 چون جمله منفی است، باید برای آن سؤال ضمیمه مثبت بنویسیم. فاعل سؤال ضمیمه همیشه به شکل ضمیر فاعلی است و هیچ وقت نباید اسم باشد.

**342** a: این بزرگ‌ترین خانه در محله ماست، نه؟  
 چون جمله مثبت است، باید برای آن سؤال ضمیمه منفی بنویسیم. همان طور که در جدول تغییرات خاص در درس نامه گرامر دیدیم، وقتی که فاعل جمله this یا that باشد، باید در سؤال ضمیمه به جای آن it بیاوریم.

**343** b: او هر روز ناهارش را سر کار می‌خورد، نه؟  
 چون جمله مثبت است، باید برای آن سؤال ضمیمه منفی بنویسیم. فعل has در این جمله به عنوان یک فعل اصلی و به معنی «خوردن» به کار رفته است، بنابراین برای سؤالی و منفی کردن آن باید از doesn't استفاده کنیم. در انگلیسی قدیمی hasn't هم در این حالت استفاده می‌شده، ولی در انگلیسی امروزی hasn't فقط برای فعل کمکی has استفاده می‌شود و به کار بردن آن برای فعل اصلی has اشتباه است.

**344** c: ماشین ظرف شویی هیچ مشکلی نداشت، نه؟  
 کلمه nothing جمله را منفی می‌کند و باید برای آن سؤال ضمیمه مثبت بنویسیم. طبق جدول تغییرات خاص، وقتی که nothing فاعل جمله باشد، باید در سؤال ضمیمه به جای آن it بیاوریم.

**345** c: هادی ورزش روزانه زیادی انجام می‌دهد، نه؟  
 فاعل سؤال ضمیمه باید به شکل ضمیر فاعلی بیاید، نه اسم. همان طور که در درس نامه گرامر گفتیم، برای ساختن سؤال ضمیمه منفی، همیشه باید از حالت مخفف n't استفاده کنیم و آوردن not در سؤال ضمیمه اشتباه است. البته در حالت خیلی رسمی می‌توانیم سؤال ضمیمه منفی را با not بیاوریم، به شرطی که not را در انتهای سؤال ضمیمه و بعد از فاعل بنویسیم؛ یعنی در این جمله به جای doesn't he می‌توانیم از does he not هم استفاده کنیم. این نکته را در درس نامه گرامر نیاوردیم چون در درس ما نیست و خیلی بعید است که طراح سؤال از آن استفاده کند.

**346** c: این‌ها چیزهایی هستند که شما در مورد شهری که در آن متولد شدید دوست دارید، این طور نیست؟  
 بخش اصلی این جمله که باید برای آن سؤال ضمیمه بنویسیم، همان ابتدای جمله (These are the things) است. به طور کلی، عبارتهایی که با that به معنی «که» می‌آیند، حالت‌های مختلفی دارند که همگی نوعی وابسته هستند. بنابراین برای این عبارتهای سؤال ضمیمه نوشته نمی‌شود، چون قسمت اصلی جمله نیستند. البته that به معنی «که» می‌تواند از اکثر جملات حذف شود، پس باید حواسمان به معنی جمله باشد تا اگر that از ظاهر جمله حذف شده باشد، متوجه آن بشویم. تنها حالتی که جمله بعد از that سؤال ضمیمه می‌گیرد این است که that بعد از پایه اول شخص آمده باشد (...I think that...). در این حالت، چون پایه اول شخص سؤال ضمیمه نمی‌گیرد، قسمت اصلی جمله همانی است که با that آورده شده است. در این سؤال، بعد از پیدا کردن قسمتی از جمله که سؤال ضمیمه می‌خواهد، باید به این نکته توجه داشته باشیم که وقتی که فاعل جمله these یا those باشد، باید در سؤال ضمیمه به جای آن they بیاوریم.

**347** d: حمید و همسرش به زودی به ما ملحق خواهند شد، این طور نیست؟  
 چون جمله مثبت است، باید برای آن سؤال ضمیمه منفی بنویسیم. حالت منفی will به شکل won't آورده می‌شود. فعل would گذشته will است که کاربردهای خاص خود را دارد. فاعل این جمله «حمید و همسرش» است، نه فقط حمید، بنابراین در سؤال ضمیمه باید از ضمیر جمع they استفاده کنیم.

فرمول  
لیست

گاج

تَحلیل  
سَطْر  
بِه سَطْر  
واژگان

۳ انگلیسی

ارشاد عظیمی



# CONTENTS

## LESSON ONE

PART ONE	PART TWO	PART THREE	PART FOUR	PART FIVE
6	9	13	15	20
PART SIX	PART SEVEN	PART EIGHT	PART NINE	PART TEN
22	28	31	35	39

## LESSON TWO

PART ONE	PART TWO	PART THREE	PART FOUR	PART FIVE
44	46	49	51	56
PART SIX	PART SEVEN	PART EIGHT	PART NINE	PART TEN
60	63	67	74	76

## LESSON THREE

PART ONE	PART TWO	PART THREE	PART FOUR	PART FIVE
84	87	89	91	96
PART SIX	PART SEVEN	PART EIGHT	PART NINE	PART TEN
101	104	107	112	114

Irregular  
Verbs

119

Index

123

And of Allah's **Signs** of Power is the **creation** of the **heavens** and the earth and **also** the **variation** of the languages and the color of you people; **verily**, in all these are Signs for men of **knowledge**.

و از نشانه‌های قدرت خداوند، آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز تنوع زبان‌ها و رنگ شما انسان‌هاست؛ به تحقیق، در همه این‌ها نشانه‌هایی برای اهل دانش وجود دارد.

<b>sign</b> /sain/ n.	نشانه، علامت؛ تابلو
<b>creation</b> /kri'eiʃən/ n.	خلق، آفرینش؛ ایجاد
↳ <b>create</b> /kri'eiʃ/ v.	خلق کردن، آفریدن؛ ایجاد کردن، به وجود آوردن
↳ <b>creator</b> /kri'eiʃə/ n.	خالق، آفریننده
↳ <b>creative</b> /kri'eitiʃ/ adj.	خلاق؛ خلاقانه
<b>heaven</b> /'hevən/ n.	بهشت؛ (ادبی) آسمان
<b>also</b> /'ɑ:lsoʊ/ adv.	همچنین، هم، نیز
<b>variation</b> /,veri'eɪʃən/ n.	تنوع، گوناگونی
<b>verily</b> /'veriʃi/ adv.	(قدیمی) به راستی، به درستی، به تحقیق
<b>knowledge</b> /'nɑ:lɪdʒ/ n. (uncountable)	دانش
↳ کلمه <b>uncountable</b> که جلوی این کلمه نوشته شده به معنی «غیرقابل شمارش» است. در این کتابچه، اسامی غیرقابل شمارش به این شکل مشخص شده‌اند. یاد گرفتن این کلمات از این لحاظ اهمیت دارد که باید بدانیم که این اسامی هیچ‌وقت جمع بسته نمی‌شوند یا a/an نمی‌گیرند. اگر هم بخواهیم برای آن‌ها فعل یا ضمیر بیاوریم، باید از فعل یا ضمیر مفرد استفاده کنیم، نه جمع. برای جواب دادن به بعضی از سوالات، شناختن اسامی غیرقابل شمارش لازم است.	

### Sense of Appreciation

حس قدردانی

<b>sense</b> /sens/ n.	حس، احساس
<b>appreciation</b> /ə, pri:ʃi'eɪʃən/ n.	قدردانی، سپاسگزاری
↳ <b>appreciate</b> /ə'pri:ʃieɪt/ v.	قدردان بودن، قدر چیزی را دانستن

### Interesting Facts

حقایق جالب

<b>interesting</b> /'intrəstɪŋ/ adj.	جالب
↳ <b>interested</b> /'intrəstɪd/ adj. (+ in)	علاقه‌مند
↳ <b>interest</b> /'intrəst/ n. v.	علاقه؛ سود، منفعت؛ علاقه‌مند کردن

کمک کردن به دیگران فشار خون را پایین می‌آورد. **Helping others lowers blood pressure.**

<b>lower</b> /'loʊə/ v.	پایین آوردن، کاهش دادن
<b>blood</b> /blʌd/ n.	خون
<b>pressure</b> /'preʃə/ n.	فشار
↳ <b>press</b> /pres/ v.	فشار دادن؛ اتو کردن



## Kindness boosts energy and strength in elderly people.

مهربانی، انرژی و قدرت را در افراد سالمند تقویت می‌کند.

**kindness** /'kaɪndnəs/ n.

مهربانی

↳ **kind** /kaɪnd/ adj. n.

مهربان؛ نوع، گونه

↳ **kindness** -ness یک پسوند اسم‌ساز است که در این جا صفت kind (مهربان) را به اسم (مهربانی) تبدیل کرده است.

**boost** /bu:st/ v.

تقویت کردن

**strength** /streŋθ/ n.

قدرت، توان

↳ **strong** /stra:ŋ/ adj.

قدرتمند، قوی

**elderly** /'eldərlɪ/ adj.

پیر، مسن، سالمند

↳ **elderly** -ly پسوند -ly معمولاً قیدساز است، ولی نباید تصور کنیم که هر کلمه‌ای که -ly دارد قید است. کلمه elderly با این‌که -ly دارد، یک صفت است، نه قید.

## Teenagers who help others are more successful in life.

نوجوانانی که به دیگران کمک می‌کنند، در زندگی موفق‌تر هستند.

**teenager** /'ti:neɪdʒər/ n.

نوجوان

**teenagers who ...**

نوجوانانی که ...

↳ **wh** کلمات **wh** را قبلاً به عنوان کلمه پرسشی دیده‌ایم؛ مثلاً **who** را به معنی «چه کسی» می‌شناسیم. ولی بعضی از **wh**ها می‌توانند به عنوان موصول و به معنی «که» هم در جمله استفاده شوند. با این نقش آن‌ها در گرامر درس ۲ دوازدهم آشنا خواهیم شد.

**successful** /sək'sesfəl/ adj.

موفق؛ موفقیت‌آمیز

↳ **success** /sək'ses/ n.

موفقیت

↳ **succeed** /sək'si:d/ v.

موفق شدن

## Listening to the advice of older people improves our lives.

گوش کردن به توصیه افراد بزرگ‌تر زندگی ما را بهبود می‌بخشد.

**advice** /əd'vaɪs/ n. (uncountable)

توصیه، نصیحت

↳ **advise** /əd'vaɪz/ v.

توصیه کردن، نصیحت کردن

**improve** /ɪm'pru:v/ v.

بهبود بخشیدن/ یافتن، بهتر کردن/ شدن

**lives** /laɪvz/ n. pl.

زندگی‌ها

↳ این کلمه حالت جمع **life** است. در سال‌های قبل خواندیم که اکثر اسم‌هایی که حرف آخرشان **f** یا **fe** است، موقع جمع بسته شدن، **f** یا **fe** تبدیل به **ves** می‌شود؛ مثل **wolf** (گرگ) یا **knife** (چاقو) که جمعشان می‌شود **wolves** و **knives**. البته این قاعده استثناهایی هم دارد که مهم‌ترین آن‌ها کلمه **belief** (اعتقاد، عقیده، باور) است که جمع آن **beliefs** می‌شود و **ves** نمی‌گیرد.

## Taking care of grandchildren increases brain function and memory.

مراقبت کردن از نوه‌ها عملکرد مغز و حافظه را افزایش می‌دهد.

<b>take care of</b> /teɪk keɪ əv/ <b>phr. v.</b>	مراقبت کردن از
<b>grandchild</b> /'græntʃaɪld/ <b>n.</b> (pl. grandchildren)	نوه
↳ <b>grandson</b> /'grænsən/ <b>n.</b>	نوه پسر
↳ <b>granddaughter</b> /'grænda:tər/ <b>n.</b>	نوه دختر
<b>increase</b> /'ɪnkri:s/ <b>n.</b> /ɪn'kri:s/ <b>v.</b>	افزایش؛ افزایش دادن/ یافتن
↳ <b>decrease</b> /di:kri:s/ <b>n.</b> /di'kri:s/ <b>v.</b>	کاهش؛ کاهش دادن/ یافتن
<b>brain</b> /breɪn/ <b>n.</b>	مغز
<b>function</b> /'fʌŋkʃən/ <b>n.</b>	عملکرد، کارکرد، نقش
<b>memory</b> /'meməri/ <b>n.</b>	حافظه؛ خاطره

Get Ready آماده شو

عکس‌ها و جملات زیر را کنار هم بگذارید. Match the pictures with the following sentences.

<b>match</b> /mætʃ/ <b>v. n.</b>	جفت کردن، کنار هم گذاشتن؛ مسابقه؛ کبریت
<b>the following</b>	زیر، موارد زیر، آن‌چه در ادامه آمده
↳ <b>follow</b> /'fə:ləu/ <b>v.</b>	دنبال کردن، تعقیب کردن؛ پیروی کردن از

Children should respect their parents. بچه‌ها باید به والدین شان احترام بگذارند.

<b>respect</b> /rɪ'spekt/ <b>n. v.</b>	احترام؛ احترام گذاشتن به
↳ دقت داشته باشیم که کلمه <b>respect</b> وقتی که فعل است «احترام گذاشتن به» ترجمه می‌شود. یعنی مفهوم حرف اضافه «به» را در خود دارد و نباید بعد از آن حرف اضافه بیاوریم، ولی اگر این کلمه اسم باشد، معمولاً با حرف اضافه <b>for</b> همراه می‌شود:	
respect sb (NOT respect <del>to/for</del> sb) = have respect <u>for</u> sb	احترام گذاشتن به کسی

We have to take care of elderly people. ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم.

have to / has to / had to مجبور بودن، باید

Family members should listen to each other. اعضای خانواده باید به یکدیگر گوش کنند.

<b>member</b> /'membər/ <b>n.</b>	عضو
<b>each other</b> /i:tʃ 'lʌðər/ <b>pron.</b>	همدیگر، یکدیگر

We can help many people by donating what they need. ما می‌توانیم به افراد زیادی از طریق اهدا کردن آن‌چه به آن نیاز دارند، کمک کنیم.

**donate** /'dəʊneɪt/ **v.** (مخصوصاً خیریه و ...) اهدا کردن، بخشیدن

Why are these people famous? چرا این افراد مشهور هستند؟

**famous** /'feɪməs/ **adj.** مشهور، معروف

How do you feel when you read about these people?

وقتی که در مورد این افراد می‌خوانید چه احساسی دارید؟

Write **appropriate** nouns after the following adjectives. Then **check** the **positive** adjectives.

بعد از صفت‌های زیر، اسم‌های مناسب بنویسید. سپس صفت‌های مثبت را تیک بزنید.

**appropriate** /ə'prɒpriət/ *adj.* مناسب

**then** /ðen/ *adv.* سپس؛ پس

**check** /tʃek/ *v. n.* چک کردن، بررسی کردن؛ تیک زدن؛ چک

**positive** /'pɔ:zətɪv/ *adj.* مثبت

↳ **negative** /'negətɪv/ *adj.* منفی

a **polite** ... , some **lazy** ... , a **loving** ... , a **cruel** ... , two kind ... , some **careful** ...

یک ... مؤدب، چند ... تنبل، یک ... با محبت، یک ... بی‌رحم، دو ... مهربان، چند ... با دقت

**polite** /pə'laɪt/ *adj.* مؤدب، با ادب

↳ **politely** /pə'laɪtli/ *adv.* مؤدبانه

↳ **impolite** /,ɪmpə'laɪt/ *adj.* بی‌ادب

**lazy** /'leɪzi/ *adj.* تنبل؛ (وقت) بیکار، توأم با تنبلی

**loving** /'lʌvɪŋ/ *adj.* با محبت، مهربان

↳ **lovely** /'lʌvli/ *adj.* دوست‌داشتنی

**cruel** /'kru:əl/ *adj.* بی‌رحم، ظالم

**careful** /'kɛrfəl/ *adj.* مراقب، با دقت؛ دقیق

↳ **careless** /'kɛrləs/ *adj.* بی‌دقت، بی‌احتیاط

PART

Conversation Pages 19-20

Conversation مکالمه

Sara has been in the Children's **Medical** Center for a week.

سارا به مدت یک هفته در مرکز درمانی کودکان بوده است.

**medical** /'medɪkəl/ *adj.* (مربوط به) پزشکی، درمانی

She has **caught** a **terrible flu**. او یک آنفولانزای خیلی بد گرفته است.

**catch** /kætf/ *v.* (caught, caught /kɑ:t/) گرفتن؛ (بیماری) مبتلا شدن به

**terrible** /'terəbəl/ *adj.* افتضاح، خیلی بد

**flu** /flu:/ *n.* (influenza) آنفولانزا

The doctor told her to stay there to get better. دکتر به او گفت که آن‌جا بماند تا بهتر شود.

There is a photograph of an old man on the wall. عکسی از یک پیرمرد روی دیوار است.

**While** the nurse is **taking her temperature**, they start talking.

در حالی که پرستار تب او را اندازه می‌گیرد، آن‌ها شروع می‌کنند به صحبت کردن.

**while** /waɪl/ conj.

در حالی که، وقتی که

**temperature** /ˈtemprətʃər/ n.

دما؛ تب

👉 **take sb's temperature**

تب کسی را اندازه گرفتن

Sara: Excuse me, who is that man in the picture? سارا: ببخشید، آن مرد در عکس کیست؟

Nurse: Oh, don't you know him? Have you **ever** heard of Dr. Mohammad Gharib?

پرستار: اوه، او را نمی‌شناسی؟ تا به حال در مورد دکتر محمد قریب شنیده‌ای؟

**ever** /ˈevər/ adv.

تا به حال، تاکنون

Sara: I **guess** I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

سارا: حدس می‌زنم که فقط اسم او را در کتاب انگلیسی‌ام دیده باشم، ولی در موردش مطمئن نیستم.

**guess** /ges/ n. v.

حدس؛ حدس زدن

Nurse: Dr. Gharib was a famous **physician**. پرستار: دکتر قریب پزشک مشهوری بود.

**physician** /fɪˈzɪʃən/ n.

پزشک، دکتر

Sara: Oh, can you tell me a little about his life?

سارا: اوه، می‌توانی کمی در مورد زندگی‌اش به من بگویی؟

Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288.

پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران به دنیا آمد.

After **receiving** his **diploma**, he went **abroad** to study **medicine**.

بعد از دریافت دیپلمش، به خارج از کشور رفت تا پزشکی بخواند.

**receive** /rɪˈsi:v/ v.

دریافت کردن

**diploma** /dɪˈplomə/ n.

مدرک، دیپلم

**abroad** /əˈbra:d/ adv.

(در، به) خارج، خارج از کشور

👉 حواسمان باشد که هیچ‌وقت قبل از **abroad** حرف اضافه **in** یا **to** نیاوریم. این کلمه یک قید است که

مفهوم این حروف اضافه را در خود دارد:

go abroad (NOT go **to** abroad)

به خارج رفتن

live abroad (NOT live **in** abroad)

در خارج زندگی کردن

**medicine** /ˈmedɪsɪn/ n.

پزشکی؛ دارو

In 1316 he became a physician and then came back to his **homeland**.

در سال ۱۳۱۶ پزشک شد و سپس به میهنش بازگشت.

**homeland** /ˈhəʊmlænd/ n.

وطن، میهن

In 1347 this center was **founded** by Dr. Gharib and one of his **close** friends.

در سال ۱۳۴۷، این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش تأسیس شد.

**found** /faʊnd/ v.

تأسیس کردن

لے کلمه found هم می‌تواند گذشته و اسم مفعول فعل find به معنی «پیدا کردن» باشد و هم می‌تواند خودش یک فعل حال به معنی «تأسیس کردن» باشد که در این حالت، باقاعده است و همان‌طور که در این جمله کتاب درسی می‌بینیم، برای تبدیل آن به گذشته یا اسم مفعول باید به آن ed اضافه کنیم.

**close** /kloʊs/ adj. /kloʊz/ v.

نزدیک، صمیمی؛ بستن

Sara: Really? I didn't know that.

سارا: واقعاً؟ این را نمی‌دانستم.

Nurse: Dr. Gharib was also a **generous** man. پرستار: دکتر قریب یک مرد سخاوتمند هم بود.

**generous** /'dʒenərəs/ adj.

سخاوتمند، باگذشت

He **spared no pains** to **cure** sick children.

او از هیچ تلاشی برای درمان کردن کودکان بیمار دریغ نمی‌کرد.

**spare no pains**

از هیچ تلاشی دریغ نکردن

↳ **pain** /peɪn/ n.

درد؛ رنج

↳ **painful** /'peɪnfəl/ adj.

دردناک؛ آزاردهنده

**cure** /kjʊr/ n. v.

درمان؛ دارو؛ درمان کردن

**sick** /sɪk/ adj.

بیمار، مریض

He was very **friendly** and **helpful** to poor families.

او خیلی با محبت و اهل کمک به خانواده‌های فقیر بود.

**friendly** /'frendli/ adj.

با محبت، دوستانه

لے کلمه friendly با این‌که آخرش ly- دارد، صفت است، نه قید؛ مثل کلمات elderly و lovely که در صفحات قبل خواندیم.

**helpful** /'helpfəl/ adj.

مفید، سودمند؛ کمک‌کننده، اهل کمک

**Not surprisingly**, he was **regarded** as a **dedicated** physician.

تعجبی ندارد که او به عنوان یک پزشک متعهد به شمار می‌رفت.

**not surprisingly**

تعجبی ندارد که، عجیب نیست که

↳ **surprisingly** /sə'praɪznɪŋli/ adv.

به‌طور تعجب‌آوری، با کمال تعجب

↳ **surprising** /sə'praɪznɪŋ/ adj.

تعجب‌آور

↳ **surprised** /sə'praɪzd/ adj.

متعجب

↳ **surprise** /sə'praɪz/ n. v.

تعجب؛ متعجب کردن

**regard** /n'gɑ:rd/ v.

به شمار آوردن، تلقی کردن

**dedicated** /'dedɪkətɪd/ adj.

متعهد، از خود گذشته؛ مختص، اختصاصی

↳ **dedicate** /'dedɪkət/ v.

وقف کردن؛ اختصاص دادن



انگلیسی ۳

کاج

Sara: It's a **pity**! I didn't know **such** a great man.

سارا: چقدر حیف! چنین آدم بزرگی را نمی‌شناختم.

**pity** /'pɪti/ n.

مایهٔ تأسف، حیف

**such** /sʌtʃ/ det. pron.

چنین، چنان

☞ **such as**

از قبیل، مانند، مثل

Nurse: He was known as a **distinguished** university professor, too.

پرستار: او به عنوان یک استاد دانشگاه برجسته هم شناخته می‌شد.

**distinguished** /dɪ'stɪŋɡwɪʃt/ adj.

متمایز، برجسته

☞ **distinguish** /dɪ'stɪŋɡwɪʃ/ v.

تمایز قائل شدن، تشخیص دادن

The first Persian textbook on children's **diseases** was written by him.

اولین کتاب درسی فارسی در مورد بیماری‌های کودکان توسط او نوشته شد.

**disease** /di'zi:z/ n.

بیماری، مریضی

He **taught** medicine to thousands of students. او به هزاران دانشجو، پزشکی درس داد.

**taught** /tɑ:t/ v.

گذشته و اسم مفعول فعل teach (درس دادن، یاد دادن)

☞ **thought** /θɑ:t/ v.

گذشته و اسم مفعول فعل think (فکر کردن)

Sara: Oh, what a great man he was!

سارا: اوه، او چه مرد بزرگی بوده است!

Nurse: **By the way**, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

پرستار: راستی، شاید جالب باشد بدانی که پزشک تو یکی از دانشجویهای دکتر قریب بوده است!

**by the way**

راستی

Sara: Really?! That's interesting!

سارا: واقعاً؟! جالب است!

Answer the following questions **orally**.

به سؤالات زیر به طور شفاهی پاسخ دهید.

**orally** /'ɔ:reɪli/ adv.

به‌طور شفاهی

When was Dr. Gharib born?

دکتر قریب کی متولد شد؟

Why was Dr. Gharib regarded as a kind physician?

چرا دکتر قریب به عنوان یک پزشک مهربان به شمار می‌رفت؟

Have you seen Dr. Gharib **TV series**?

سریال دکتر قریب را دیده‌اید؟

**series** /'sɪəri:z/ n.

مجموعه، سری

☞ **TV series**

مجموعهٔ تلویزیونی، سریال

☞ کلمهٔ series در ظاهر جمع به نظر می‌رسد، ولی این کلمه خودش هم مفرد است و هم جمع. یعنی شکل مفرد و جمع این کلمه یکی است.